

سؤال و جوابیست که بین شاهزاده

احمد میرزا در وضع حالیه ایران

(وقایع نگار جبل‌المتین در یاد کوبه نمود)

سؤال - چه میفرمائید در مشروطیت ایران و انعقاد مجلس پارلمان که شاه سه ماهه وعده نموده ؟

جواب - شاه اگر مجبور و لا ملجأ نشود هرگز وفا به عهد خویش نخواهد نمود - کسیکه بقسم های غلاظ و شداد قرآن پای بند نشد بمواعید او چه اعتماد است بی شاه وقتی که از (ربوال) اجازه بر همزدن مجلس و تأیید عالی و کک پلنکی را یافت شرط انعقاد مجلس و همراهی با مشروطیت را هم نموده است. اگر دولتین روس و انگلیس اصرار و ملت زور پیار محتمل است مجلس ناقص داده شود، ولی این امر مسلم است که شاه هرگز با مشروطیت سلطنت همراه نخواهد شد، خیالات استرادیه شاه ظاهر، مشاورین او هم بچه خیالند لازم به بیان نیست، وقتیکه شاه گفت مجلس را اقصا نموده و سه ماهه از نو انتخاب خواهد نمود خوف دامن گیرش بود که جمیع رطایب ایران بشورند، و بر او قالب آیند، و نیز می ترسید که دول اجنبیه غیر از روس بواسطه مشروطیت رسمیه ایران و اقرار هائیکه در وقعه تونخانه نزدیک یک سفره نموده بود معترض شوند، و حمایت از ملت کنند حالا بهر قسم بود بخیال خود موقتاً اهالی را در میان خوف و رجا گذارده، و در مدت معینه در هر شهر چند نفر از ملاهای مستبد را با خود هم خیال خواهد کرد، و جوی از ارادل و او باش را مانند وقعه میدان تونخانه دور آنها جمع نموده بزبان شان خواهند گذارد (ما دین نمی خواهیم مشروطه می خواهیم) آوقت همین نکته را بهانه رسمی قراردادده شاید بتواند - فرای دول را هم قانع نموده بهر حکب استبداد سوار ماند و هیچ دلیلی برای این مقصود شاه بهتر از این نیست که مکرر این بازی را در آورده است، تمام اظهارات تشریح شاه در دستخطهای خود مبنی بر همین نکته است، خیال شاه امروزه این است که بر مشروطیتین آذربایجان قالب آمده سپس عقیده خویش را ابراز دهد، این است که از حالا در دستخطهای متعدده که درین چند روزه صادر نموده مشروطه را با لفظ مشروطه جفت کرده، و وعده افتتاح عدالت خانه داده و توکید با امنیت بلاد کرده، و موظفین را نادای و وظائف دولتی امیدوار ساخته است، و حال آنکه مجلس شوری اول وظیفه خود را در افتتاح عدلیه و نصب آن قرار داده بود

مانع اجراء شخص شاه و مستبدین اطراف آن بودند، و هر حکمی هم عدلیه می نمود میگذاردند بموقع اجراء برسد، اینها همه دال است بر این که شاه در عقیده خود باقی است، ولی مردم نخواهند گذارد مقصود خویش برسد، و مجلس را منعقد خواهند کرد، شاه اگر از طرف روس هم قسم مؤید نبود مقتدر برخرای مجلس نمی شد. انگلیسها اگر چه تأیید در خرای مجلس نکرده ولی تأییدات معنوی دادند از اعلانات محکوره و مباحثات متوالیه در پارلمان انگلستان بر اینکه مبدع گونه تصرفی در امور داخله ایران نخواهم نمود و از حکمت عملی خودمان مطابق عهدنامه با روس تجاوز نخواهم کرد همین امر شاه را مستعد بهر گونه اقدامات نمود و سفرای دیگر را هم همین نکته ساکت مبداشت، بدون حرف انگلیسها در باطن با خیالات روس همراه نبودند ولی باید از روی همان معاهده که خود را بر طرف قرار میدهند مانع از طرفداریهای روس و دخالتش در امور داخله ایران بگردند، همین نکته مورث خیالات سیاسیون و شبهه ابرائیان شده است عجب تر اینکه در موقع تصرف بعضی تصرفات هم توأم شده که متوقع از انگلیسها هرگز نبودیم نکته همان است که عرض کردم فیصله بر همزدن این مجلس در ربوال شده بود

سؤال - در خصوص عود استبداد چه عقیده دارید؟

جواب - ممکن نیست ولو چند روزی هم شاه بهرک استقلال سوار شود، خیال حریت و مساوات را نمیتوان بهیچگونه سختی و فشار از سر اهالی خارج نمود و براحت حکمرانی بر ابرائیان با استبداد محال است

سؤال - روسیان در خصوص ایران به چه جاده کار میکنند؟

جواب - معاهده روس و انگلیس که تقسیم خیالی ایران است تا وقتی که رسماً دولت ایران قبول ننماید بموقع اجراء نتواند رسید، چنانچه در مرفصول راجحه بافغانستان تاکنون دولتین در مانده اند، ظاهر است که مجلس شورای ایران این مسئله را بهیچوجه قبول نمی نماید، چنانچه قبول نه نموده ورد کرد، و بدون مستمسک هیچی مانند استراض جدید و مفتشین دولتین روس و انگلیس و گذاردن مأمورین خود بر سر مایه ایران اقدامات آنها در حصص منقسمه خود صورت سیاسی پیدا میکند، و لباس پلنکی می پوشد، شاه بدولت روس وعده صریح بقسی که نمیتواند از آن تخلف نماید داده که هرگاه او را تأیید نمایند در خود سری و

در ماموران مطابقت آن معاهده را امضا خواهد داشت .
 وقرضه تمام از دو این متعاهدین را هم با تعیین مقش
 آنها بر مالیه ایران که منتهای دوحه آرزوی اوست قبول
 خواهد نمود

سؤال - چه میگوئید در طاقت امر آذربایجان و
 جنگ حالیه آن ؟

جواب - تمام خوف شاه فعلاً از آذربایجان بوده
 و هست ، و سعی است که هر قسم ممکن شود اهالی
 آذربایجان را زیر رکاب آرد و گویا بقوسل روس در
 تبریز هم قسم اختیار داده است حتی بطاب کردن
 قزاق از روسیه و تصرفات کامله در فرمانروائی آنجا .
 قوسل روس هم ابتدا خواست بعضی اقدامات به نماید و
 برخی تصرفات غیر مشروع هم کرد بدو اهالی آذربایجان
 بسحق بر او اعتراض کردند و هیچ نمائنده بود صدمه
 بزرگی بر او وارد آمد فشار دیپلماتیک پیش آمد با چار که
 از پترزبرگ عانت رسید گویا وزارت خارجه آلمان و
 عثمانی هم درین خصوص بذریعه سفارات خودشان بوزارت
 خارجه روس در اقدامات قوسل تبریز شکایت کرده
 بودند ولی بیشتر خوف روس از عثمانی بود ، چرا که
 مدعی بزرگ روس در آذربایجان عثمانی است ، و
 مرکز عثمانی تن در نتواند داد که روس هیچگونه تصرفی
 در آذربایجان به نماید ، قوت قشونی شاه به آذربایجان
 است بدختر آذربایجانیها خود مختلف شده اند ، ازین
 رو میتوان درین خصوص بصراحت رأی داد

ولی این قدر میگفتم تا رفتیکه شاه بر آذربایجان
 غالب نیابد نمیتواند خیال استبداد کند ، این است که
 حاضر شده صوبه آذربایجان را بروس مفت وا گذار
 کند و آسوده شود ، ولی روس را قدرت باع و مضم
 این لقمه بزرگ امروزه نیست ، چه رقبا مانند اجل
 بر سر او معاق اند ، حرص و طمع امر دیگر است
 ولی اگر به نظر فور دبه شود قفقاز و ترکستانرا از
 کف روس از امروز بیرون رفته باید تصور کرد ،
 عثمانی قوت پاتیک آلمان از حالا دست سیاست بروی آن
 معامات انداخته است ، این رو میتوان گفت روس مقتدر
 بر تصرف آذربایجان نیست شاه آشکارا تبعیت روس را
 مقتضای ظاهر میدارد

سؤال - درباره معاهده روس و انگلیس چه
 به نظر تان میرسد ؟

جواب - این معاهده در اول به ترقی خیلی در خیالات
 ایرانیها صدمه زد ، و به یک قوت طبیعی آنها از

دولتین متعاهدین گردید ، قسمی که من بعد ایرانیها
 امتیاز جاروب کشی خود را هم به بیچ یک از آنها نخواهند
 داد ، این معاهده خیلی اسباب حساسه انگلیسها خواهد
 شد ، تازه ملت ایران رفته بود بجانب آنها اقبال نماید از
 این معاهده یکدفعه ایرانیان سرخوردند ، اگر چه انگلیسان
 این معاهده را از خوف رسوخ آلمان در وسط آسیا و
 دهنه زدن بر دهان روس بستند ، ولی طاقت گرگشان
 همین معاهده خواهد گردید ، از بعد این معاهده ایرانیان
 مائل به پاتیک آلمان شده ، امروز رجال ما سیاست و دانش
 صاحب رسوخ و نفوذ ایران به پاتیک آلمان رجوع
 نموده اند ، در مسئله مشروطیت ایران نیز بسید نیست آلمان
 دست درازی نماید ، این معاهده برای ایرانیان دارای
 هیچ ضرر و اهمیت معنوی نیست ، نهایت این که روس
 و انگلیس خود را از روی این معاهده از حصول برخی
 حقوق امتیازیه در بعضی از نواحی ایران محروم ساخته اند ،
 اینهم نفع رفیق آنها که آلمان است خواهد گردید ، چه
 آنها خود را پای بند نموده نه ایران ، پروتست رسمی
 ایرانیان همین امر بود ، این معاهده تشکیل یک
 دایره رقابت بسیار وسیعی در ایران نموده که عبارت از
 آلمان بعیت عثمانی و روس بعیت انگلیس باشد ولی اینها
 بواسطه آن معاهده میدان را بر خود محدود نموده
 ولی آنها میدان تکاپویشان غیر محدود است

سؤال - علمای عراق که مؤسس این اساس بودند
 در چه فکر و خیال اند ؟

جواب - جواب این سؤال خارج از احاطه علم
 من است ، ولی آنچه از قرآن خارجه میتوانم استنباط
 نمود این است که شاه بزرگترین یاری که به نجات خود
 زده این میباشد که منتهای درجه توهین را در حق علمای
 نجف نمود ، این اساس را که بر جید بن نموده آنها
 بود ، احکامات عدیده آنها را که درین دو ساله صادر
 شده بود به بیچ بشمرده با نمایندگاران آنها که علمای طهران
 بودند - لوکی کرد که در حق ادا شخصی که مرتکب
 بزرگترین جنایات هم باشد پسندیده نبود با این همه آنها
 بچه حیانت نمیدانم ، ولی یقین دارم ، که عنقریب ریشه
 محمد علیشاه را از بیخ و بن خواهند کند ، شاه بهمرای
 چهارده ملاحی را می که دو بیچ جا دارای آری نیستند
 مفرور گردیده ، و مرتکب این اعمال بسیار شنیع شد
 عقیده من این است که علما کار خود را کرده و میکنند
 و عنقریب اثرش ظاهر خواهد گردید ، حالا چه کرده
 و میکنند من میدانم ، همین قدر باید دانست که نفوذ کلمه
 علمای بزرگ شیعه در نجف اشرف فقط منحصر در

ملت و دولت ایران نیست

سوال - خیال شما درباره آئینه ایران چیست ؟
 جواب - مشروطیت در زوایای ایران ریشه دوانیده
 حتی پارلمان منعقد میگردد با مذهب درجه قوت ، و
 محمد علی شاه شخصاً سلطنت ایران را نخواهد کرد ،
 ازین و بعد همه روزه از روس و انگلیس
 کاسته بر قوت و نفوذ آنان خواهد افزود و ایران کاملاً
 برای خود خواهد ایستاد

آخرین لایحه که وکلای مجلس ۱۵ ج ۱

« بشاه تقدیم نموده و جوابشان »

(باتوب کروب داده شد)

بشرف سده سنیة اعلی حضرت اقدس شاهنشاهی
 خلافت ماکه و سلطانه میرساند

در حالیکه از دولت چند هزار ساله ایران نمانده
 بود مگر اسی بلا مسمی و قوای حیوانیه آن با تسلط
 خارجه و جهل و بی قیدی داخله به اسفل مراتب
 سقوط رسیده سلاسل امنیت و استقلال آن منتهی بود
 به موتی موسوم به اداره ملوکانه که آنها در منابله
 تندباد افراط اجانب سهیل و سرگردان رو بمخاطرات
 عظیمه سیر مراتب مضره بینمود ، چون مشیت
 خداوندی منشور اضمحلال آرا امضا فرموده بود ،
 ندای غیبی اسلامیت و ایرانیت افراد اهالی را از خواب
 غفلت بیدار ، و برای هدایت فرمود که هادی عمل
 و تجربه در طی مراحل تاریخ اختیار نموده ، لهذا
 یکباره خاص و عام مملکت باوجود اختلاف مدارک بی
 بمخاطرات و مهالک برده یک حرکت فیوراه از
 فضاحت بی حسی خود را دور ساخته متلبه این دواصل
 اصیل استقلال ملیت و استحکام قومیت شدند ، مگر
 قوای مملکت ناشی از ملت است و سلطنت و دیبه ایست
 که بمعیت الهی از طرف ملت بشخص پادشاه مفوض
 شده است ، لاجرم خواستار تغییر مسلک سلطنت شدند
 و اعلی حضرت شاهنشاه مرور امارات رهانه با مضای
 فرمان مشروطیت و اعطای سمادت حریت ملت بزرگ
 بر ملت نهادند نام خود را بر حمت ابدی زینت تاریخ
 ایران ساختند ، ولی تکمیل این عطیت و تمیم این موهبت
 را روزگار برای تقدیس و تکریم نام نامی اعلی حضرت
 هابونی ذخیره کرده ، این است که مساعدت نخت بلند
 و طالع ارچند هابونی در اواخر ولایت عهد و اول

جلوس میمنت مانوس رضای شاهانه را به تصدیق
 مشروطیت جالب شده در ۲۹ ذیحجه ۱۳۲۴ حسنیت
 شاهانه را با آرزوی ملت که بصورت هیجان عمومی
 ظاهر گشته بود ، توفیق داده به اكمال نوائس قانون
 اساسی فرمان دادند ، در صورتی که جهانیان منتظر
 بودند که از این مجاذب حقیقی که بین پادشاه و رعیت
 حاصل و با این سرمایه سعادت که بتوفیقات خداوندی
 کامل گردید آثار ترقی و تمدن بسرعت و سهولتی که
 شایسته محاببت ملی و فطانت جیلی ایرانیان است ظاهر
 و موحبات امن و آسایش عمومی فراهم گردد ، روز
 بروز افشاش ولایات و تا امنی طرق و شوارع و
 انقلابات سرحدات زیادت و در خود پای نخت که در
 نخت نظر مستقیم اعلی حضرت شاهنشاهی و هیئت دولت
 و مجلس شورای ملی است وقایعی بس ناگوار اتفاق
 افتاد ، که اگر در صور و علل آنها شور دقیق و
 غور هیق بعمل آید هر یک از آنها لکه مبرمی است
 که از انتساب آن بادی مترین دربار هر چند قلم ایرانی
 را شرم آید ، تاریخ که در محور حقایق امور متحرک
 لا بزوال است ، بدبختی در ثبت و ضبط آن شرم و
 ترحم نخواهد داشت ، تمداد آن قبایح را چه حاجت
 که اجتماعات (حضرت عبدالعظیم) واقعه (میدان توپخانه)
 وغیره وغیره هنوز در السنه و افواه مثل سال طاعون
 و وباء در عداد تواریخ بدبختی این مملکت مذکور و
 مرکز اذهان است ، از اثرات آن اتفاقات فضیحا
 هنوز دلهای رمیده رعیت آرام بیافیه و جراحات های
 وارده بر قلوب ملت کاملاً التیام پذیرفته بود ، که باز
 مقصدین بی ایمان امان نداده برای اخلال روابط پادشاه
 و رعیت وقایح چند روز قبل را حاضر و احوال
 (ماه ذینمده) را برجی شدید تر و در طرف دو
 روز از حاصل زحمات دو ساله قسمت کلی را پسر
 داده از جمله اصل نهم و دهم و دوازدهم و چهاردهم
 و بیست و سوم را که روح قوانین اساسی است قصر
 نموده مجدداً نونال امید را که بهزاران آه و نذیر و
 خوف دل در قلوب رعایا میروید ، از بیخ و بن
 بر انداخته ، بجای آن یأس و حیرت و باس و شدت
 نشانده اند ، مخصوصاً در موقعیکه سرحدات مملکت دچار
 مخاطرات عظیمه است ، فاق شاه بر انداز خانگی ر
 باین شدت حادث نمودند ، که خاطر مقدس هابونی ر
 مثل مساعی وکلای ملت و وزرای دولت و بواسطه

مادی و معنوی مملکت که ناشی از اطاعت رعیت است
 منقول همديگر سازند، و بر مقاصد سوء خود پردازند
 بدیهی است که دوام این حال ملازم است با اضمحلال
 دولت قویم و قدیم ایران و ایرانی مسلمان که بمذلول
 فرمان قضا جریان استاد اول آب از (حب الوطن من الایمان)
 آب خورده با بیداری حواس بطور خاص نشئه حفظ
 حقوق خویش است متحمل نخواهد شد، که ایران و
 اسلام خود را با هر چه در او هست آلت بازیچه چند
 نفر مفسد درباری بیند، دستخط هابونی که روز جمعه
 بر تفرقه ممدودی رعایا که بطور صالح و سلم جبر کسور
 واقعه بر قوانین اساسی و اعاده حقوق رفته خویش را
 متظاناً استدعا میگردند بهر تدبیر و اصرار بود از طرف
 مجلس شورای ملی که در طی تمامی طرق جازه سعی
 است بموقع اجرا گذارده شد، ولی این اقدام و امانت
 آن از قبیل سرنگ از رخ پاک کردن است، در حالیکه
 خون دها در فوران و کلیه ایران در هیجان است،
 نقض قوانین اساسی از شمال تا جنوب و از مشرق
 تا مغرب ایران را با اله و افغان برگرد که اگر این
 ناله و فریادها یکجا جمع شود خدای نخواسته چه آهنگ
 محالی از آن ظهور تواند کرد

بالجمله تکلیف بروکلاسیه مات خلیلی رحمت شده
 انتظار مردم طهران و فشار ولایات در اعاده احترام
 قوانین و اصلاح کلی امور آن مان در تزیاید و فرصت
 محل را از دست میبرد، آنچه بطور قطع بر عقلای
 مملکت ثابت شده است علت واقعی این همه خرابی ها و
 تکرر اتفاقات ناگوار که شان عبود و شسته دها را
 یکجا می شکنند و حرمت قانون با نوامیس سوگند
 اسلامی را یکسره بر طرف میکنند دو چیز است

(اولاً) شهادت مفرصین تاکنون طاع شده است
 که در قلب شاهانه این اعتقاد راسخ شود که در سلطنت
 مسروضه تمامی امور در تمامی اوقات باید در مجاری قانونی
 سیر نماید تا اصول ذیل قانون اساسی از لفظ بمعنی رسد
 صل (۴۴) شخص پادشاه از مسئولیت مبرا است
 و درای دولت در هرگونه امور مسئول مجلس هستند
 اصل (۴۵) کلیه قوانین و دستخط های پادشاه
 در امور مملکتی وفق اجرا میشود که بامضای وزیر
 مسئول رسیده باشد و مسئول صحت مدلول فرمان و
 دستخط همان وزیر است

اصل (۵۷) اختیارات و اقتدارات سلطنتی همان

است که در قوانین مشروطیت حاضره تصریح شده است
 اصل (۶۴) وزراء نمیتوانند احکام شفاهی یا کتبی
 پادشاه را مستمسک قرار داده سلب مسئولیت از
 خودشان نمایند در صورتی که کلیه امور از جزئی و
 کلی در مجری وزارت خانها فیصل پذیرفت مسئولیت
 نیک و بدان از شخص هابون شاهنشاهی مرتفع و بر
 عهده وزراء محقق می یابد، و قدس مقام منبع سلطنت
 تمامه محفوظ میماند و الا در صورت بی اطلاعی وزیر
 از فلان امر کلی یا جزئی ابراد مسئولیت بر آن وزیر
 بدیهی است از طریق عدل و عقل خارج و در اساسی
 که تجارب هزار ساله عقلاً و حکامیه جهان مرتب
 شده است البته تصور چنین امری رویه و عجیب
 نمی گنجد که فعل همرو را زید مسئول باشد

(ثانیاً) آنچه بیقین پیوسته است اغراض مفسدین
 چند که دشمن مات و دولت و خان شخص شخص
 هابونی هستند در میان نیت پاک و فطرت تابناک هابونی
 که از مزایای سلاطین عظیم الشان است و حقوق رعایای
 صداقت شمار حایل و حاجب اند و هر ساعت خاطر
 مقدس ملوکاه را بر صرافتهای جلب میکنند که با خیر
 سلاح عامه فرسنگها مسافت دارد، و هر دقیقه بالقای
 شهادت مفرضه قاب شاهانه را از معانی اصول
 مشروطیت و قوانین اساسی منصرف ساخته، باقتضای
 خود خواهی و استبداد ذاتی خود شاد یا در راه
 خدمت بمصالحت غیر متابعه قوانین مملکتی را گویا در
 حضور مبارک مغایر شئون سلطنتی جلوه داده بقدر امکان
 و بهر فرصتی که مییابند خاطر مقدس را بر ابقای الفاظ
 و انهدام معانی اصول قانون و امیدارند، لهذا مادامی
 که کشور واقعه بر قوانین اساسی جبران نشده و اعاده
 احترام قانون بصله نیامده است، و در آینده کلیه
 امورات در مجاری قانونی حل و فصل نشود، و
 نمایندگان ملت را اطمینان کامل حاصل نگردد، که بر
 حفظ تمامی حقوق مات قادر خواهند بود، و بمنزل
 آنچه تا حال واقع شده بار دیگر نقض عهد و قانون
 نخواهد شد، بحیوریت عامه وارد خواهد بود، که
 وکلای ملت باقتضای وظایفی که دیناً و وجداناً با
 شهادت خداوند و توسط قرآن مجید بر عهده گرفته اند
 عدم امکان تحمل خود را فشار فوق العاده مسئولیت پاک
 ملت بموکلبن خود اعلام نمایند

(والسلام علی من اتبع الهدی)

پریشان در پریشان

باغ پریشان و سر و وکاج پریشان
ملک پریشان و نخت و تاج پریشان
لغت حق بر لجاج باد که گشته
کار در شاه از لجاج پریشان
وای بملکی که گشته داخل و خارج
دخل پریشیده و خراج پریشان
خیره بند شبان ز روغن و پشمش
هر گاه را که شد نتاج پریشان
لا بد باد یکی طیبی حاذق
ملکیتی را که شد مزاج پریشان

تاکنون هر قدر در ابرام این اشعار حقایق
نیان را بکار برده و مثال آورده اند همه بیوقع و
بجا بوده چرا برای آنکه میبایست جهت همجواری
گذارد شده و این حالت بر شامت وضع جانسوز و
موقع دلگداز را شاهد و دلیل سازند زیرا اگر طرائق
و برای مصداق خارجی دارد و اگر ذات و جهالت
معنی حقیقی دارا میباشد حالا در مورد مملکت و ملت
خود می بینیم که این يك از شامت تجدد حیات
استبداد و تازه گشتن دستگاه ظلم و بیداد یکره در
شرف و برائی و اضحلال افتاده و این دیگر باستانه
اهالی خطه آذربایجان هنوز به اهمیت و وخامت این
ضربت کمر شکنی که دست ظلم بر هیكل ملتشان وارد
کرده ملتقت نشده و مستحضر نگردیده اند بجه سبب ؟
بواسطه آن جهالتی و دناستی که از قرون پیشتر در
طباع دانیة این قوم جایگیر شده و حسیات وطن
پرستانه و غرامت ملتخواهان که از مختصات اهالی این
سر زمین یکره مفقود و معدوم ساخته زنده اند ولی
مردم ، مرده اند اما زنده ، اساس هستی اینملک را که
زمانی فخر ظلم اسانیت و شرف دائرة مدنیت بوده
در کمال اقتضاحات عجیبه و نهایت رسوائیهای مهیبه
دیده اما می جلبد ، استقلال شرف مایت خود را که
در ظرف این قرون اخیر بر هر چیز ترجیح داده و
برای حفظش از تملك اغلب قطعات وطن خود
چشم پوشیدند اکنون در نهایت هلاکت و عین اقراض
یاخته ولی حرکت ندارند ، بنیاد عدالت و اساس
انسانی که نتیجه برپادی هزار ساله خودشان و ثمره

جانشانیهای عظیمه خود می پنداشتند اکنون بيك
حرکت از پیخ برکنده و بيك اشارت از جای برداشته
شده لیکن ابشارا کيك نمیگذرد و بالاخره دین آنها
در ورطه اضحلال ، وطفشان در هرصه اقراض
برادران شان همه قربانی حفا ، عرض و ناموسشان
تمامی برباد و هر رسوائی و فضحتی دیگر که دیگرانرا
از ذکرش طار میآید بر آنها میبارد اما دم میزنند و
سری می جلیبند ، واذلتاً عجیب منظره دهشت افزا
و ضریب مهلکه جان فرسا در وطن ما ظاهر گردیده
و شکفت قبرستانی است که همه را زنده بگور کرده
و بخاک سپرده اند !!!

تمام این بدبختیهای لانه و لانهی ، کایه آن
مذتهای متراکمه چندین قرن ، و همه آن خاکهاییکه
در آینده بسر مات بخته شود فقط از همین
است که تاکنون نداسته و فهمیده اند که تیشه در
دست خود شان و ریشه را جز خود شان هیچکس
نمیکنند بدبخت ماتی که در سرما و گرما نوی سزعه
های مختلف ریج بکشد و هرق ریخته و بکدمین خود
تحصیل حزن دارائی کند و بعد با منهای فرونی
و کمال خضوع و خشوع همان اندوخته رحمت
و صدمات خود را تسلیم و تحویل بمرآزی دهد که
آنها در سرکوبی و خدلان خود شان معسوف درد
و هنوز هم تا اینقدر شعور و ادرك نداشته مانند که
بفهمد خیر و خوبی کدام و شوکت و رفعت چیست
برای سپوشی و دیوانگی این ملت همین کافی که در
عرض آن همه سالهای کهنه و نو و در ظرف تمام روز
های تنوالی فهمیدند که خون خود را میدهند تا
گوششان را قطعه قطعه کنند یا بعبارت ساده طالبان
میدهند تا همه رسوائیهای خارج از تصور را بر ایشان
وارد آورده به چنان پایه بندگی و رقیبت تنزل دهد
که حتی پیره زمان کفار را در اقصی بلاد عالم از اسامع
حالتان تاز دست دهد و حیرت فراگیرد

و اسفا عایک یا وطنی ، ندانم از کدام درد
و از چه بلیه ات شکوه نیام از بختبری ملت - من - سرا
یا از بی اعتنائی قایدان آف نرم هنرا بیارام ، ای
فغان که از هر سوی نگری آیت رخ و عنا طهر وی
امان که از هر طرف بینی آثار درد و بلا اهر ، اسفا

را از مشاهده این احوال سراسر ملال دق و سل دست دهد و از نظاره این حالات شامت آیات آرزو کند که از رنج زندگی برهد. در حالیکه پیشوایان طاهر زمان باحس و ایمان گویان بودند که حکومت استبدادی برخلاف دین و امان و منافی شرع خان میمبران میباشد و بهر نحوی که در دایره امکان منصور میبود قدرت خود را از وجود آن حکومت برار میامودند ابدأ در رفع مصائب و دفع نوائب این مشت بندگان خدا که محکم طبیعت و دایع و طامات ایشان میباشدند بذل توحشی نکرده و اصل بنیاد ظلم را که خود شان همیشه از آن شاکی بوده و دستگاه ظلمه اش میخواستند بجای خود گذارده سهامت بعضی از اواط ایشان که طرف بمعارف زمان و مطالع از مفاسد مضمرة در حکومت استبدادی نمی بودند در بجزی منتهای سراف کرده و همان دایره ظلم و محور بیداد را طرف مقابل شریعت طاهره ساخته وجود خود را (خادم شریعت طاهره و دعا گوی دوات باهره) خواندند و نوشتند. تا کتون يك از آن غوسی که از بر تو زحمت این ملت دستگاه زندگانی خود را راه انداخته و بیرق سروری و مهتری بر مفارق این جماعت افراشته يك روز يك ساعت بلکه يك دقیقه از مهر شریف خود را در ما وضع که صرف نکرده و با آن نفوذ کلمه که مختص وجود خودشان میباشد با ما غمهازند که ای مسلمانان، بیروان حضرت محمد این عبدالله (ص) ای آنهایکه امت مرحومه را از افراد خود تشکیل میدهید بدانید و آگاه باشید که بجزین دوات مالیات دادن موجب اطانت ظلم و تشویق منکر و تشیید بنیاد بیداد است. دادن مالیات بهمجو حکومت ظالمة مورث تقلیل ثروت مسلمین و برپادی بیت المال و مستقیماً باعث تخریب شرع و دین است. این مالیات زکو آتست که بحکم قانون اسلام برای ترویج قواعد و قوانین شریعت فراهم و تقویت اساس دین و تأیید مجاهدین ملی که مدافعین از کفار و مهاجین بر اساس کفر میباشدند جعل و تعیین گردیده و هر قوه قاهره که از قانون اسلام و مقتضیات مسلمانان رو گردان و گریزان بوده و حتی با منتهای وقاحت تمسخر بر آن قواعد متینه نماید بحکم کتاب

الله و بامر آیات خدا هیچ حق ندارد که بجمع آن ذخایر قیمتی اسلامیان دست زند و بازو بکشد. و هر فردی از مسلمانان هم که بخواهد این حقبت ساطعه را محل اغفال و انکار قرار داده و من غیرالحق باده مالیات همجو کارخانه ظلم و بیداد بدهد بر حسب همان آیات قرآنی که اصول و بنیان این دین را تشکیل داده وی از معاونین ظلمه محسوب و در ساحت قرب سروران این دین مبین مخذول و منکوب خواهد بود

واقماً حماقت را به پند که يك مشق بچاره در جان اجتماع کرده خودشان را سماً موجبات معیشت خود را تا اندازه که میتواند فراهم آورند زحمت های روز و شب را با نهایت بجزی متحمل شده و جان و مال خود را بانواع و اقسام مختلف در مخاطرات انداخته و دست رنج خود را بی هیچ حساب و کتاب به يك دیوان ظلم بنیان و دستگاه فضاحت پناه و اساس شامت مراسی تقدیم کنند که همه را با يك قساوت و شرارت تصور نشدن در پست کردن قوای خود شان صرف کند. و منتهای جلال خود را وقتی داند که بهتر از بیشتر در تخریب اساس ملیت آنان نایل گردد و با نبشته بیرحمی به قطع ریشه ثروت مادی و معنوی آنها به پردازد. ما با منتهای سکون و وقار بخدمت آن مروجین شریعت. آن حامیان اسلام و آن ذوات مکرمی که سر برستی این جمع بحکم قانون الهی درید کفایت آنان گذارده شده میگویم. که در این قطعه ارض شریعت اسلامی بکلی متروک و مهمل مانده و اساس دین در مقام خطر افتاده. و اگر دلیل هم بخواهند چه بهتر از آنکه نظری بخرابی و ویرانی آن خطه انداخته فلاکت و سرگردانی و هلاکت و بیچارگی این مردم را که اظهر من الشمس است بنظر دقت خود آورده و با که اگر هم زحمت نباشد بمطابقه و موازنه احوال این بدبختان با ساکنین سایر قطعات زمین برداخته و دلیل فوق دلایل بگیرند و سبب و علت آنها فضاحت و آن قدر شامت و آن اداره حسران و وبال هم همین است که باین بدبختان نگفتند که مردم ظلم نکشید و نفوذ خود را برای انهدام حریت مشروع و اخلال اوقان دین از دست نداده

بلکه سعی باشد که آنرا در طریق ترویج قانون الهی مصروف دارید !!

واذ لنا در همان آن که همه بزرگان روحانی ما علناً میدیدند که بدبختی و مذلت این قوم سیه روزگار با علی دوجه رسیده و از فرط ظلم شدت مصائب و وحدت نواب دیگر هیچ تاب و توانی برای هیچیک از افراد آنها باقی نمانده است اقلابك دو دقیقه را صرف ملاحظه اطراف و جواب خود نموده و نمیدیدند که از بر تو ظلم و نتیجه استبداد چه منتهای عظیم الشان از اوج رفت به حضيض مذلت افتادند، و چه تختهای عالی اساسی که در اندک زمانی سرنگون گشتند، و چه اقوام عزیزه که طومار حیات شان یکسره درهم پیچیده گردید - ملشاه تمام بدبختیا - مبدأ کلیه مذلتها و مصدر تمام نکبتها جز این نبود که از يك طرف ما که بروفق احکام شریعت ولایت نامه بر این جماعت یتیم واقعی داشتیم، بدبختانه کترین نظر دقیق به اصلاح خوبی امور این ایام بذل نکرده و منتهای دلسوزی و غمخواری که نسبت بهیکل مبدس اسلام و هیئت جامعه مسلمانان میکردیم عبارت از این بود که گوشه گیری و آزوا اختیار کرده و منتهای جد و جهد خود را در راحت تن و مغز خودمان بعمل آوریم، اما از طرف دیگر سایر ملل که عقل و هوش خدا داده خود را در گوشه عزت مدفون نکرده اند بلك ثبات و دلگرمی مفرط و شوق و شغفی بی اندازه به اتخاذ همان قواعد حان فزایشکما در طاق نیسان گذارده و محل اعتناء خود قرار نداده بودیم پرداخته در اندک زمانی آنها به نتایج حسنه و فخرات قیبه آن احکام مدنیت نظام رسیده در دعای بی حد و حصر خود را هوا کرده و به نعمتهاییکه خواب میدیدند رسیدند، اما ما طندیم در يك جنبه فساد اخلاق و يك منجلا ب نکبت و ذلتی که وجود ما را آلت عبرت برای کافه بیداران عالم ساخت، آنها بفضای حشمت و رفعت رسیده قانون عدل، مساوات، امنیت مالی و جانی، حریت قلم و زبان اجراء سیاست عادلانه، انتظام کشور و لشکر - ترویج مکاتب حلال، و حفظ حدود و نفوس خود را بخوی اجرای داشتند که دیگر ما فو قش منصور نیست

ولی ما بدبختان نه روزگار در يك مصیبتی توفیق

داشتیم که فغان و عویل تمام ایران را در تمام اطراف عالم منتشر ساخت و در محشری محشور گشتیم که قلب عالمی حقیقی اسلام بر سر آن خون گریه میگرد و صبح و مساء میلمردیم در حالتیکه هیچ امید نجات از مقهوریت نداشتیم و در هر دقیقه لرزان بودیم که موقع اضمحلالمان چه هنگام است، آنها از بمن امنیت و عدالت در هر سال تعدد نفوس مینمودند افراد خود را مضاعف از پیش می یافتند، اما ما از دست ظلم و جور بایستی دست از دارائی و مکتب پدری خودمان کشیده بنهایت آتزار قلب و کمال دلسوختگی از وطن خویش جدا شده برویم و در ربر لوای ککفاریکه دشمنان دین مبین ما میباشند زیست و زندگی کرده و حیات خودمان را بپایان رسانیم، آنها افرادشان با وصف کمال اعتماد و اعتقادیکه نسبت بهنت دولتی خود دارند همواره سعی بر اینند که افعال و اعمال آرا تنقید کرده و مصالح و فواید عمومی را خاطر نشان سازند اما ما میدیدیم جان و مال و ناموس و حقوقمان در زیر فشار ظلم است، میدیدیم ولایاتمان هم حراب و ویران، دین و مذهبمان در شرف اضمحلال است، میدیدیم که نه اختیار مال خود داریم و نه اطمینان از جان خویش، نه مجال حرف داریم نه امکان حرکت، میدیدیم که سر برستی و حکومت باشخاصی میدهند که برای آخرین قطره خونمان آشته اند، و وزارت های بزرگ ما را تیول آنها میباشند که از فرمان سلطنتان هیچ مضایقه و دریغ ندارند، و میدیدیم بول بیت المال مسلمین در چنان حرکات لغوی صرف میکنند که ریشه ما را بآب میرساند و نفوس و حدود ما را بخوی مرض چپاول میسازد که سنگ دل ترین لغار را بر ما رحم میآید، اما خاک برمان که نه خودمان قوه و قدرت دفع ظلم از خود داشتیم و نه آنهایکه بحکم خدا و بحکم طبیعت پیش و مستحفظ حقوقمان بودند در آن طریق صحیح و جاده درست اندک مشی و حرکتی نموده که ما را از چنگ آنها بلیات جانگداز رهائی داده و يك ر مهمترین و ظایف خود را اقلابكار آورده باشند !!!

امان از یخبری، فغان از یخردی، کدام قانون، کدام شرع، کدام مذهب، اجاره میدهد که ما آن همه بدبختیهای کر شکن را دیده و هیچ بروی بزودی خود

نیاورده و اندک حرکت مذبحی هم که میتوان وسیله نجات هزاران نفوس گردد ننخام ؟
 مسلماً بخواهم در این گیرودار و در این مجبوحه مذات ما خود را بیطرف ساخته و حالاً هم مثل آن همه سنوات عبیده چشم خود را بسته و هیچ خوب و بد عالم را بدیده بصیرت ننگریم، آیا این عمل ما موافق با قواعد شرع متین است یا مخالف با آن میباشد ؟ روح اسلام و باطن صاحب شریعت مطهره فریاد میزند که خداوند وجود ما را عبث نیافریده بلکه این قوه و قدرت را بخشیده که در هدایت گمراهان وادی ضلالت بجاده هدایت و فلاح از هر آسودگی و راحت شخصی دست کشیده و با منتهای اقتدار و قوت به شرف آفت وظائف مقدسه کشیده نگذاریم که مردم خاصه آن کسانی که سعادت آیه شان پید کفایت ما محول و موکول است چنین بدبخت و بی سامان مانده از هر حقوق انسانی محروم و بی بهره بوده باشند، و اگر مخالف آن احکام معجز نظام و بر ضد آن آیات حکمت بنیات عمل کرده شیوه حسنه سروران حقیقی را که در راه دین از هر مشاق و نوای نیابودند اکتفاء ننخام و آنحضرت که هر که باشیم و هر چه باشیم مطمئن و مستول مانده در روز حساب سکه وقوعش محل شك و شبهه نیست بهجازات و خیمه افعال ناپاک خود مان رسیده و دمار از روزگار برمیآید !

بعد از آنکه این نکته بخوبی تشریح و توضیح گردیده و هیچ سبب و موحی برای تبدل مادن و بیکار گذراندن باقی نمانده يك اراد دیگر را اظهار میکنیم و آن اینست، که آیا این افراد ایرانیان آن استعداد ذاتی را دارا هستند که بنصایح مفیده و مواظف دلبنند ما امتثال کرده و در حرکاتی که برای خیر و فلاح خودشان میکنیم ما موافقت و مشارکت نمایند، یا اینکه طبعاً مستعد نیستند که مان کار اقدام کرده و میخوانند فقط ما را در میان راه بگذارند ؟ صفحات تواریخ صادق و واقعات عظیمه این سر زمین با دنیا دنیا دلیل فریاد دارد که قواء طبیعیه و مزایای ذاتی این قوم محیب از هیچیک از مال آسیا نقص و کمتری ندارد، بلکه از اغلبشان فزونتر و پیشتر است، و گذشته بر این همان متابعت و امتثالشان در انتهاضات نادره که

که از جانب شاه روحانیان شده دلیلین و گواه صادق است بر اینکه فقط حرفی از شاه لازم است و کار را خود ایشان خواهند کرد، یعنی قوت روحانیت شاه ملوز در میان ایشان نمرده و محو و زایل ننگردید، هر چه هست از خود تان است که این همه مدت سادگت و صامت نشسته و بی حرکت و بی کار مانده اید، چه قوه بهتر از قوای روحانیه و کدام موردی خلوشتر از مورد این بد بختان ایران و چه موقی اهم تر از موقع حالیه ؟ سکوت و صموت سابقه شاه و بی حرکتی و رخاوت لاحقته تان چنین میرساند که بد بختاه خلی از مراتب ننگبت و درجات مذات این ملت ستم دیده یخبر مانده و سخت از مصائبی که روزانه بر آنها را وارد میاید غیر مستحضرید، یعنی نمیدانید که تا انقراض و اضمحلال ایران جز يك لحظه بصر بیشتر نمانده و تخریب ارکان شرع هم مصادف با انقراض ایران میشود یعنی نمیدانید نزدیکست بجای اذان در اقطار ایران صدای ناقوس بلند شده و اعتقادات طامه یکسره محتل گردد و کار بجای بسیار نازک بکشد، یعنی نمیدانید که فرداست شهارا با ادنی کشیش عیسوی هم پایه بلیسه ادنی تر محسوب داشته و مصائب فوق الطاقه بر شاه وارد ساخته امور مسلمین را از بد شاه انتزاع و در کف روحانیان خودشان خواهند گذارد تا پیاسای دینی باطل خودشان رنق و رنق کنند، یعنی نمیدانید که اگر ایران مقهور و ملت شیعه از کف رفت دیگر نه شاه رئیس خواهید بود و نه دیگران مرؤس، بلکه براسی اینک دیگر هیچ امید آتیة جهة مسلمین باقی نماند بیشتر عزائم خود را بر قلع و قمع شاهها معسروف کرده و ریشه تان را از پیخ بر خواهند کند، اگر نمیدانید و نمیدانستید حالا دیگر بدانید و نظری بجانب (مصر) که گلستان اسلام بود و (بخارا) و (هندوستان) و (مراکش) و (افریقا) و (حبشه) و (قفقاز) و غیره بیندازید تا صدق آن گفتار را بخوبی دریابید و این طور بی حرکت نمانید، اگر نمیدانید و نمیدانستید که اگر ایران بر فرض حال بحال حالیه خود بماند و از تطاول خارجی آسوده و فارغ بماند البته قوه قاهره براسی محافظت استقلال خود چاره نخواهد دید مگر اینکه بر شاه تاخته و ارکان وجود تان را منزلت ساخته دیر یا زود اسباب

منگوبیت شاهها را فراموش آورد بهمان طوریکه نسبت به عرض شاه نمود، اگر سر این حرف و حقیقت آن عرض را ندانسته و نمیدانید حالا دیگر بدانید که قوه قاهره بلاشک همان هنرمند مضر را درباره شاه دارد و میخواهد که هر طور است بنیاد وجود شاه را در معرض خطر اندازد، و اگر این حرفها را هنوز افشاق ندانسته و خیلی از واقعات این صفحات بخبرید بردارید این نگارش جریده معتبری را که دو سه روز بعد از وقعه طهران نوشته بخوانید و بر حال خود مانند زان فرزند مرده گریه و زاری کنید :-

بحران ایران

ترجمه از جراید انگلیسی

شاه ایران شکایتی به کنگ ادوارد (پادشاه انگلستان) کرده و از بناء دادن سفارت انگلیس در طهران بمنحصنین شاکی شده است، پادشاه انگلستان جواب آن شکایت را داده و فعال سفارت را مطبوع و مستحسن دانسته است، هر چند خبر رسمی در باب مضامین جواب پادشاه انگلستان نیست، لیکن اعلیحضرت معظم توسط امور خارجیة خود تلگراف کرده که این مقدمه ایست که میبایست اقدام در آن از بحاری دیپلماتیکی بعمل آید و چونکه ظاهر بود که شاه در دارالخلافه خود برای حفظ جان استقرار امنیت نکرده لهذا برای دول خارجه معناد و متداول میبود که اشخاص را که بقیه از مخاطره حیات خود داشتند پناه دهند، جواب مؤکد پادشاه انگلستان پشبه شاه را متقاعد خواهد ساخت که نه تنها میبایست مشار الیه با رعایای خود مدارا رفتار نماید بلکه تمام مذاکرات و مراودات با بریطانیای عظمی میبایست بتوسط نماینده معتبره انگلیس در طهران جاری گردد، در معاملات سیاسیة جدیده کمتر دیده شده که يك پادشاهی مستقیماً با سلطان يك مملکت مخاربه کرده از افعال سفیروی در پای تخت خود اعتراض گوید و ابراد گیرد، بلاشک شاه

از عمل مستشار سفارت انگلیس خیلی بشنگ آمده بود زیرا که مشار الیه موصوف فوری امر کرده بود که قزاقهاییکه برای کشیک کشیدن متحصنین در اطراف سفارت گذارده بودند برداشته شوند، هر چند قزاقها برداشتنند، ولی دولت ایران راضی نبود که در این خصوص اقدامی نماید مگر در وقت که مطالبه اکیده شارژدافر انگلیس هیچ طریقی باقی نگذارده بود

طهران از خون مالا مال شده

ثمره اقدامات وحشیانه که شاه برای آشوب اصلاح خواهان در مملکت خود نموده چنین شد که طهران از خون مالا مال گردید سر بازار مساجد و توپخانه کوهستانی بر دار الشورای ملی کلاه ریزی کرده و آن را حراب نمودند و هشتصد نفر از آنجمله زمان و اطفال بقتل رسیدند، و خیلی متحصنین در سفارت انگلیس النجا هسته اند، محض اینکه فرار و نجات یافتن پناهندهگان سفارت انگلیس را محاصرت نمایند قزاقها آنها را محصور داشته اند و مامورین انگلیس بر همه اهالی که تا کنون بسمع هیچ کس نرسیده اعتراض کرده اند و خواستار شده که نگهبانان مزبور برداشته شوند

مردم را در خیمه گاه شکنجه کرده بقتل میرسانند

مستأماً در حبابهای مهیج عساکر شاهی در طهران مرتکب می گردند، يك نفر بجهت که از خیمه گاه شاهانه استخلاص یافته بود بيك نفر خبر نگار اظهار کرده که شاید و بلایای وارده و مصائب و قضایای عجیبی از نوایب اهل بیت عصمت و طهارت در کربلا افزونتر و سخت تر بوده است، يك لاله عظیمه و سدمه و خیمه بر مذهبی که مسلمانان چنان و دل و جان راسخ در آن بودند وارد گردیده و هرگز سلاطین تا مسلمان هم در خواب میدیدند که بارتکاب چنان افعال بپردازند (۱) - سید عبدالله و سید محمد و امام جمعه طهران و امام جمعه خونی که چهار نفر از احواله عالمیند در حالی مخیمه گاه وارد شدند که نشان خرقه بخون و سر و اعضایشان

(۱) مقصود نگارنده از این بیان همان شدت اهالی است که بملاء شده و حال آنکه تا اکنون وجود شان

در ایران محترم و مقدس شمرده شده

آیا این حالت پر شامت بقاء و استدامتی خواهد داشت ؟ خیر معلوم نیست و اغلب عقلاء عالم هم با اعتراف اتفاق دارند و اگر باز شك و شبهه دارد قدری در نگارش ذیل خورده شده و بعد در رقیمة فاضله تبریزی هور کنید تا بنهید حرف ما بی پایست :-

شکسته و مجروح و محاسنشان کنده شده بود و در جنگ سرمازان غوغاگر سیلا طووی بودند

ملك (یعنی ملك التکلمین میرزا نصرالله اصفهانی واعط جلیل الشان ملت خواه) را در پیش چشم تمام محبوسین بدار کشیدند و همینکه نچه جان گشت طناب اطراف گردنش را سست کرده و میر غضبشان با عکازد حاسیه کند بقطع اعضایش پرداختند و پس از شرحه ساختن بدنش بقیه السیف را جلو سگان انداختند ۱۱۱ حال مردم از صدمه که باذهانشان وارد گردیده باز آمده و ملفت شده اند که خسارتشان جبران پذیر نخواهد بود ، مخبر طمس میگردد ~~که~~ مجلس با خاک همسان ، تمام جراب خراب و مسدود ، و مشروطیت از میان رفته ، و چیزیکه از همه بدتر است اینست ~~که~~ فرمانروائی روس در طهران جاری شده است ، عین الدوله شاهزاده مشهور مستبد که در استقرار مشروطیت همشده گریخت اکنون فرمانفرمان آذربایجان منصوب و معلوم است که برای قلع و قمع اصلاح خواهان تا آخرین جد و جهد خواهد کرد انتهى

➤ نقل از جریده (مسلمان) انگلیسی

(ملطبه کلکته مورخه ۲۶ جون)

مناضت بدبختانه فهایین سلطان و حزب شوروی در ایران يك عذر و بهانه بسیار قیمتی برای دشمنان ترقی آسیا پیدا کرده که بگویند هیچ چیزی جز استبداد خالص مناسب با آب و گل مشرق میباشد ، و غیر از ظلم و بیداد با مقتضیات آن بلاد نمیزد ، حد الحاضر آسیا طعمه افعال اروپا گردیده ، و فی الحقیقه آسیاست که آسبای ترقی و نجات اروپا را راه انداخته و آن خطه را تا آن درجه برومندی و نعمت بخشیده ، استقرار حکومت مشروطه در همه ~~علاقه~~ عبارت از آنست که دولت قویت یابد ، و قوت دولت هم مضر در این است که محبتش در احمق قلوب ملت جایگیر گشته باشد و هیچ دواقی نمیتواند که دلهای مات خود را بر باید مگر آنکه آراء ملت را مطلق سازد ، هنگامیکه يك ~~حاکمی~~ قوی باشد مداخله اجانب در امور داخله آن مملکت از محالات میگردد ، و لهذا بیدار شدن آسیا موجب رفیع بد اروپا میباشد ، اروپا را علاقه چنین قرار گرفته که سعی کند بکنوع حکومت ضعیفه در آسیا

برقرار دارد و بر ذمه خویش فرض ساخته که مشرقیان را بهر نهجیکه ممکن باشد از هر اعتباری ماطل و محروم سازد ، بالفعل حالت بدبختانه ایران فرصتی طلائی به سوسیالیان اروپائی داده که بهر نهجیکه بتصور بیاید تمام هوا و هوس مشرقیان را برای اصول مشروطیت تکذیب و تردید ، نمایند و سعی میکنند که عبرتهای تاریخی اروپا را خاصه تواریخ (انگلند) و (فرانس) و فراموش کرده و مشغولند که پس افتادگیهای ایرانیان را عظم و بوقر دهند ، و گویا چنین میخواهند برسانند که اساسهای آزادی در اروپا بدون هیچ صدمه و آسیبی برقرار گشته است اما آسیائیان بواسطه سوسیالیتهای اروپائیان از اتخاذ جاده ترقی که پس از خواب طولانی سیاسی یاقه اند دست نخواهند کشید

شماره (اندیان ربور) بجهت ماه می مشتمل بر مقاله موسومه (اروپا و مشروطه ایران) از اثر خاتمه استاد تحریر (ارمینیس و امبری) میبود ، این تقاد سبب فرض مشروطیت ایران برخلاف سایر محررین اروپائی نه تنها حالت ایرانیان بلکه تمام مشرقیان را عموماً بطوری صحیح تشخیص داده است ، روی هر فقه مقاله مزبوره بجدی خوش نوشته است که ما نتوانستیم از درج آن خود داری کنیم ، تشریح صفات ملیه ایرانیان بقلم يك شخص اروپائی که عبارت از این استاد اطریقی باشد بی شبه خیل در نظر آسیائیان مطبوع خواهد افتاد و ما از نگارش آن خبر دانشمند متشکر میباشیم

استاد مذکور در او اخر مقاله مزبوره چنین فرماید (شبه نیست که بعد از ژاپونیا ایرانیان زکی تر و بیشتر متواضع و کار کن و ثابت قدم و وطن دوست تر از سایر ملل آسیا میباشند ، و در عالم اسلامی نیز پیشرو هم مذهبان خویش اند ، این صفات مذکور و دیگر مزایای حسنه ملیه موجب این امید گردیده که اگر نفوذ اروپائیان مزاحق بدیشان نرسد البته ایرانیان تدریجاً بجدایه حریت و تمدن تمایل خواهند کرد ، و اگر مدت نقل و تحویل شان مانند ژاپونیان عاجل و سریع نیابد ، اما حصول نتیجه اخیره چندان طول نخواهد کشید ، حیثیات قویه ملیه ایرانیان که ظاهر و باهر میباشد در نظر عموم موجب قویت آلف پیش آمد صحیح خواهد گشت) بل حق با خودمانست ، کراراً

در همین صفحات گفته ایم که اگر ایرانها را بخود وا گذارند و اگر مملکت مذکوره از تشبثات اروپائی فارغ بماند البته دبر یا زود کلیه امور اصلاح خواهد پذیرفت ، دانشمند اروپائی نیز همان نظر را دارا میباشد که محرر مزبور اظهار میدارد (معنی که طریقه مصاحق که روس و انگلیس همین قرب در ایران پیش گرفته و كذلك بعضی مقاصد آلمان برای استقلال آئینه مملکت ایران قال خوبی نمیزنند ، هر يك از دول ثلاثه مذکوره جشمی بر سر زمین واقعه بین خلیج ایران و بحر خزر دوخته است ، انگلیس در جنوب ، روس در شمال و آلمان در غرب ، يك تشویش اشکاری بخرج میدهند که برای خود بزیادی گذارده و بکنوع دستگامی جبهه تجاوزات علاوه خودشان بدست آورند و هر قدر سی گردد که معاهده دوستانه فباین این سه مملکت مزبوره حاصل آید ، معیناً ایران معرض رقابت اروپائی خواهد گشت ، پیمان و طیره که مملکت عثمانی تا قرنها میبود و در آینده نیز خواهد بود) آری وقتی که معاهده انگلیس و روس اختتام پذیرفت آسیایان نیز همین خوف و ترس را داشتند ، استاد معظم گوید (برای ظاهر کردن چنین داهیه دهبا یا برطرف کردن اثرات مدهشته آن خیلی بجا خواهد بود اگر ایرانیان فرصتی شایان بدهند در این سی و مجاهدان که در میدان اصلاحات اجتماعی و سیاسی دارند ، بخوبی ممکن است که محمد علی شاه سلطان حالیه ایشان مخالف با حکومت مشروطه باشد ، و حق سلاطین عیسوی خودمان مخصوصاً باین شکل سلطنت اشتیاقی نداشته باشند . لیکن بی تشویق و تقویت دول اروپائی البته مشارالیه بی قدرت و بیچاره خواهد بود و ثابت الامر میباشد که به حسابات حریت خواهانه ملت خود اظهار انقیاد نماید ، لهذا لازم میباشد محقق داریم که تا چه اندازه روس و انگلیس برای استقلال ایران کار خواهند کرد ، و یا اینکه ایشان این غلبت را فباین خود تقسیم کرده و فعلا ساعیند که این کار تا طالایه خود را مخفی دارند) این اظهار دانشمند موصوف بیرحمانه مقاصد مولفین معاهده روس و انگلیس را تا جائیکه مربوط بفصل راجعه بایران است قاش و آشکار میسازد ، نمیتوانیم خود داری بکلیم از اینکه

يك شطر دیگری از آن مقاله را بملاحظه کنندگان محترم اظهار داریم و آن اینست (اعم از اینکه ما راضی یا نا راضی باشیم يك تغییر فوق العاده در ضارب فرسوده ترین آسایشها بوجود رسیده و کهنه برسق را اختلال حاصل گردیده و افکاریکه سابقاً معمول و مقهور بتصور میآمد کنون محل توجه و استحصان شده است ، نظر بانک واقعات مشرق زمین بطور تانی پیشرفت دارد از این رو میبوده خواهد بود که از پیش آمد هیجان بلوائی مخفی برانیم ، لیکن وقت است که آن نقل و تحویل ثابت الترقی را بنظر آورده و از خود سؤال کنیم که آیا بیشتر صرفه ، صالح خود مان نیست که تدبیر سابقه خود را بجهت مقهور - سخن ممالک شرقیه از دست بدیم ؟ و آیا نباید از امید مخدول ساختن ملل آسیائی که از ما عقب مانده اند چشم پوشیم ؟ این چنین عمل قدا کارانه شاید چندان خوش نیاشد ، اما بهتر است که انسان طوعاً از کاری دست بکشد تا اینکه او را مجبور بدست کشیدن نمایند) آیا جراید انگلیس و هندی که دشمن ترقی آسیا میباشند بسرخانه عقل میبایند یا خیر ؟ ما غالباً در طی این صفحات گفته ایم که خیالات مشروطه طلبانه بکلی در آسیا نازی ندارد ، و يك وقتی بوده که غالب دواتر ما مشروطه بوده اند ، لیکن بعد از آن دوره اختلال در رسید و سلطه و استبداد را تقوی حاصل گشت لیکن همان تسلط هم تا اندازه منرون برحم و مروت میبود ، در هر مملکت اروپا که مشروطیت استقرار یافت قوه قاهره مخالفت عظیمه ورزید و معلوم نیست سلطان اروپائی مانند مظفرالدین شاه مرحوم پدر شاه حالیه راضی بمشروطیت بوده ، هنگامیکه بر بستر مرگ افتاده بود از قرار مذکور پیشرش گفته بود

(فرزند جان من ، ارتحالم نزدیک است و اگرچه امروز بر تخت سلطنت هستیم ، اما فردا مکانم در سراجچنگور خواهد بود ، فرزندان ، سلطنت بتو خواهد رسید و شما بایست بدانید که سلطنت بواسطه رعیت وجود دارد ، اگر رعایا مسرورند سلطنت نیز مسرور خواهد بود ، و اگر رعایا محزونند سلطنت نیز محزون خواهد ماند ، ایرانیان که طایفه هوشیار زکی هستند از خواب بیدار شده و از حقوق خود با خبر گشته

شروع اسبدم بنیان استبداد کرده اند، ایرانیان خیلی دوستدار وطن خود هستند و هیچ قوه قابل نیست که شما و وطنخواهی حقیقی را خاموش سازد. اگر حبانم وفا میکرد من براسیے ترقی قوم با کمال رغبت موافقت این ملت عمل مینمودم لیکن درینا که مرگ در رسید، فرزند جان من وصیت میکنم که حذر کن از آنکه مستبد باشی و به این مردم رحم باش (این آخرین کلمات نصایح آمیزی که از لبان آن پادشاه عظیم الشان آسیای صادر گشته و اگر وی زنده بود هیچ شک و شبهه نمی بود که مشروطیت صحیحه بایرانیان اعطاء میگشت، بدمخانه پسر و جانشین وی همانا طبیعت او را ندارد و تمام اشکالات در همین است. لیکن اهالی ایران مانند سایر مبدین آسیا بیدار گردیده اند و حسیات وطن خواهانه ایشان قوی میباشد. و اگر خدا بخواهد مقاصد خود را برای استقرار دولت مشروطه اجزاء خواهند کرد ولو اینکه از هر طرفی اراز مخالفت گردد انتهی آری علامت نبوت این حرف در يك قطعه ایران که عبارت از آذربایجان باشد ظاهر گردیده و این خط - بل تشریح مدعا به بهترین طریق میکند :-

تعلیقه يك از طلاب جلیل الشان تبریز

(از تبریز ۲۷ ج ۱ - ۱۳۲۶)

آخر در این وهله نازک که حدود ایران بکمره در معرض خطر افتاده و هر روزه بل هر ساعت از جوانب اریبه اعدای دین و مخالفین آئین ما بر عرض و ناموس و جان و مالان ترکانازی کرده و میکنند آتش استبداد شعله ور گردیده آن فرصتی را که از يك سال قبل تا بحال در تهیه اش میبودند بدست آورده خاکی بر سردوستانان شریعت حنه خیر المرسلین میخندند که جبرانش تا سالیان درار صورت پذیر نخواهد بود، نبدانم ساکنین سایر نقاط بیده و قریبه در چه حال و کار شان بچه منوال است. آیا بخواب ناز رفته چشم از حیط بیضة اسلام و صیانت حقوق و حصانت عرض ر ناموس خود پوشیده، با اینکه بشیوه اهالی این بلد دمن سردانگی را بر کمر زده و فرمایش اولین مدیر عالم یعنی مولای متقیان و امیر مؤمنان علی علیه السلام را کار بست اند؟ که فرموده ظلم نکشید - بنظرم میرسد

هر کس بخواهد طریقه اولی را یعنی بخواب ناز رفتن پیش گرفته و از وظایف شرعیه خود که بر هر کس بحسب مقدرت و وسع وقوتش تعلق میگیرد بپوشی کند بی شبهه و پرا نمیتوان مسلمان خواند بلکه باید از جرکه مسلمان خارج و در-کد دیگران محسوب داشت. حاتا و کلا که حقایق حقه اسلام و آراء و انظار شریعت پرور حجاج اسلام بخویز و تصویب کند که ما در این مجبوسه مذلت و بدبختی مانده و برای دفع ظلم از خود مان و حفظ آئین خویش هیچ سی و دقتی نکنیم، حالت ما را بخواهند بدین قرار است، در همان وقت که حامیان استبداد در طهران نقشه تخریب دارالشوری و تجدید حیات استبداد را میکشیدند در اینجا نیز بر حسب دستورالعمل مرکز بعضی بندوبستها برای قتل عام مشروطه خواهان و کلیه اشخاصی که بایند بدین و شرع هستند داده از ۷۳ این طاه اخگر فساد شروع بخسانان سوزی ما بد بختان نموده. استبدادیان اینجا که هرگونه تهیه و تداری براسیے برهمزنی اساس عدالت داشتند و محابا حملات سخت بر رعیت بیگناه آورده اول بازار ریخته هزاران کاسب بچاره را در حالیکه از همه جای بخر و در کسب و کار خود سعی بودند طعمه گلوله ساخته اجساد آنان را در هامجا انداخته اموالشان چاییده کاری کردند که قلم را از ذکرش طار و شرم آید و سپس بر منازل مردم تاخته عیال و اطفال خورد سال را که در هر طریقت محله رحم و مروت باید باشند به بدترین وجوهی بقتل رسانیدند و کار را بجائی رسانیدند که مردم آن همه مظالم و تعدیات اکراد بدبنداد را از خاطر زدوده وی عصمتیهائیکه ترکان بر سرحد نشینان میکردند بکلی فراموش ساختند، روز دیگر علمای شهر گرد آمده از اعمال استبدادیان بهایت خائف و مترجر گردیده هر قدر توانستند آدم فراهم کرده و مردم را دلداری داده امر بانقمام فرمودند و درطایب بدبخت نیز که ازجان و مال خود چشم پوشیده بودند جمله بر حیش استبداد بردند از طرفین خیلی مقتول و از کشته ها پشته ها برپا شد، اما در آخر نسیم ظفر بر برجم حزب الله اهتزاز نموده ملت قایق گردیدند و قورخانه و جبهه را بتصرف خویش در آورده آنچه فشنگ و تفنگ در آنجاها میبود بردند

ولی باز در بعضی محلات هنوز صدای قنک شنیده میشود، و واقعاً در این چند روزه بجدی حرب و قتال سخت در کار بود که کسی نمیتوانست تردد در معابر نماید در تبریز خانه و منزلی نیست که صدای رود رود از آن بلند نیست و بسیاری قوس محترم بیگناه از کسوت حیات طاری شده در جرکه اموات رفته اند تلفیات ملت تاکنون به چهار هزار و نهصد رسیده از فرقه معاند تقریباً سه هزار و کسری بدرک رسیده اند، اغلب آنها یکی از ملت کشته گشته اند. در زمره اهل فضل و شرع بوده اند، فی الحقیقه تلمه که در این حادثه عظمی و داعیه دهنیا بر اسلام و اسلامیان وارد گردیده اعظم مصائبست، آخر گناه این جماعت بی گناه چه بوده که بدین نحو از حیات و زندگانی محروم و به قساوتی که تالی شداید اعمال حجاج این یوسف (ام) میباشد بدرجه شهادت برسند، آیا گناهی جز حفظ دین خودشان و وطن خودشان و مرض و ناموس شان که از تکالیف و فرائض اسلامی آنهاست ارتکاب کرده بودند، امان از آن روزیکه این شهداء اسلام با جامه خونین و اجساد مقطوعه و ابدان باره باره سر از سراج گور برداشته در محضر عدالت آبی بیای محکمه عدل و انصاف حاضر گردیده انتقام خود را از ساحت قرب خلاق جهان و ملتقم جبار بخواهند فریاد از آفت زمانیکه صاحب شریعت در تقویت این قوس مقتوله بیگناه خواستگاریست گردیده احکم الحاکمین را ناجرا حکم داده و ادا نماید و مظالم وارده بر آن بدبختان را در صفحه محشر گوشزد سازد، چیزیکه ماها در این محبوسه بدبختی از شاهان برادران وطنی خود خواهش مند هستیم اینست که بهر سرعتی که میتوانید بموالیان حقیقی ما یعنی حجج اسلام عقبات اسلام آخربین ما را رسانیده بگوئید، ای هادیان مسلمین، ای حامیان شریعت حقه ما بر حسب تکالیفی که اسلام برای ما مقرر کرده و شاهان با اقتضای دین پرودی توضیح با کرده اند از بذل و ریختن قطرات خون خودمان در حفظ بیضه اسلام و حراست نوامیس دینیه خودمان فروگذار و مضایقه نکرده و برای اینکه در راه دینداری از دیگران عقب نمانیم در آن مقصود مشروع بوقت از همه جسته و داریم صد صد هزار هزار دست از جانب و مال

خویش شسته و درجه رفیقه شهادت را حاصل می نمایم و ناموس حقیقی و مجازی خودمانرا بشما وامگذاریم و امیدواریم شاهان که بر حسب استحقاق موالی و سر پرستان ما شیعیان هستید بر غیرت اسلامی و همت عالی خودتان نپسندید که عیال و اطفال ما بعد از خودمان گرفتار شمشیر دشمنان خانگی گردیده و در صورتی که بی گناه میباشند کشته و بخون آخته شوند بلکه رجای واثق و امید مقرون بیقین ما است که شاهان پس از استحضار از این اخبار شامت آثار آن دهشت و هراس بشبوه سروران حقیقی اسلام اقتضای و اقتداء جسته نگذارید خونهای بناحق ریخته ما که در حفظ اساس دین شده پدید برود و بالاخره بیضه اسلام در ورطه خطر افتاده مصائبی برهنگل مبارک اسلام وارد آید که بعد از آن نتوانید بجبرانش بپردازید روح اسلام شاهد و گواه حال است صکه ما در علم هیچ مقصدی جز اطاعت اوامر حقه شاهان و حفظ قواعد دین مبین در سایه سرپرستی شما داشتیم و استتکاف از اجراء اوامر شاهان را اولین گناه غفور ناپذیری تصور کرده و برخود واجب و لازم میبشمریم که در حفظ آن اوامر مقدسه حق از بذل جانب خود که بهترین سرمایه زندگانی است کوتاهی نکنیم همچنانکه نکردیم و الان بر طلبیان ثابت نمودیم که هنوز حس اسلامیت بکلی نمرده و مردمانی هستند که نخواهند گذارد اندک ترین خللی بارکان قدس بنیان آن احسن ادیان وارد آید و اگر هادیان مسلمین که عبارت از ذوات مقدسه شما میباشد به حفاظت دین مبین خاطر بکارند هزاران قوس مسلم در متابعت و اتقیاد حاضر و اتباع آفت اوامر را سرمایه افتخارات دنیوی و اخروی خود میدانند.

ای آیات خدا باز میگوئیم که در این انقلابیکه در دارالخلافه بوقوع رسانیده و چندان هزار قوس محترم را بطوری ظالمانه کشته اند هیچ قصدی برای حفظ دین و طرد و دفع اشخاص آشوب خواه نداشته اند، آیا کشتن جمعی فضلاء اسلام که برای خیر و منفعت عامه گرد آمده و در مجلس مقننه حاضر شده اند از رویج شرع بشمار میرود
آیا مغول ساجقن آئین سیدین السندین بهرسانی

و طباطبائی و قی ایشان بسمت کلات نادری بدترین مصیبتی نیست که بر اسلام وارد آورده اند
آیا امروز که ما ایشان چنان نمودند فردا که کار بخوبی بکام ایشان گشت نه بدوای مقدسه شما ناسته و شما را به ایشان ملحق میسازند

مخداوند بگانه قسم که اگر این مصیبت را سرسری بنداشته و در جبرانی این مظالم و دفع ظلم و اطاعت ملبوف و اشاعه معروف و دفع منکر اندکی تخطی ورزیده این فرصت جهان قیمت را بجزئی نه انگارید اولین ضربت دیگر که مست ظلم وارد خواهد کرد بر ذوات مقدسه شما خواهد بود و به دسایس مختلفه کارتان را تمام خواهند کرد ، پس ای مقتدایان ای مدد حکمت که پس از فهمیدن این خبر اگر میخواستید اسلام و مسلمین را واقعا از جنگ ظلم و عدوان رهائی داده روح صاحب شریعت را از خود خوش بود سازید بی تکی و تسامح اتفاق بر دفع ظلم و دفع منکر و انهدام بنیاد استبداد فرمائید و گرنه وقتی را خواهید یافت که هزار بدامت و اسف نمره بختیده و نتیجه نخواهد داد - والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته
انتهی
جادی الثانیه
(مواطن شما در جنوب)

خباارات خارجه

وقایع نگار (طمس) از پاریس می نویسد که در (نان کوك) و (ایسینیا) دولت آلمان اقدام به امداد رطایبی عثمانی کرده . دولت فرانسه در این خصوص مخایره به اسلامبول نموده که جرا تبدیل امداد ملک چین شده تاکنون جواب نیافته ، در (برین) افواه است که باجالی از دولت آلمان طلب ستمداد رطایبی خود را از دولت آلمان خواسته و دولت آلمان قبول نموده

دولتین روس و انگلیس درباره تحریکات انتظام (مقدونیا) متفق الرای شده ، دولت انگلیس مکتوری به سردول اروپا نوشته و تفصیل انتظام قشون (مقدونیا) تحت لحکم افسران عثمانی را تصریح نموده

نمایندگان دولتین روس و انگلیس عراض خود را در خصوص سرحدی به باجسالی پیش می کنند ، ولی لی جواب شفافی نمیدهد

دیش (سرادوردگری) وزیر خارجه درخصوص مشروطه شدن عثمانی مسرت زیاد ظاهر نمود و بیان کرد اگر دولت عثمانی در ترقی تمام مملکت خود سعی شود مسئله مقدونیا بزودی انفصال خواهد یافت با حسن وجه نظر بر بد نظمی برخی از حکام نه نموده اینوقت همرددی و همراهی با دولت عثمانی باید نمود و این امر غلط است که ما دولت آلمان را بیک طرفه میخواستیم بگذاریم ، قبل از این اغلب کموروت آلمان با دولتین روس و فرانسه واقع شده که بسبب عند معاهدات مد دفع شده پانیک دولت انگلیس این نیست که بعد از انحصار با دولتی با دیگری از راه ضداد برآید بلکه با سایر دول نیز متحد می ماند از این عهدی که بسته میشود گمان نباید کرد که ما برخلاف دولت آلمان رفتار می کنیم چنانچه عهدنامه تاتی را هم ما برخلاف خود نمیدانیم

بسبب پیش رفت امور راه آهن بغداد امپراطور آلمان نشان عقاب سیاه به (فرید پاشا) اعطا نموده
(برسیدنت فلاریس) ورد (دیوال) شد
(کرتل سبلی) در مجلس شورایی ملی دیشب اظهار داشت که (لاردگری) بر مسئله تجارت تریاک (هنگانگ) غور میسازند ، حساره تجارت را هم مدنظر خواهد داشت

امپراطور روس و (برسیدنت فلاریس) رئیس جمهوری فرانس برجهازات خود با هم دیگر دید و باز دید نمودند - برجهاز امپراطور روس ضیافت شده در مجلس (مسبواسوالسکی) با (مسبو پیشون) تا یک ساعت صحبت کرده اند و جام همت یکدیگر را با کمال خوشی نوشیدند و در باره استقرار صلح و امنیت عمومی گفتگو کردند

(برسیدنت فلاریس) دیروز از (دیوال) رهسپار شد ، امپراطور و امپراطریس روس باکمال مسرت او را وداع گفتند

در (هنگانگ) طوفان و طغیانی شده و جهازات را قصانی زیاد رساییده جهاز مسافرین چینی غرق شده (۳۰۰) نفر مفنود لازم اند

(کشتی موشک شکن) هوی تنگ) در سیلاب و طغیانی (هنگانگ) بخشی اقتصاد در (کنتان)

هزارها جینی به سبب فرقی شدن جہازات کوچک فرقی شده ، جہاز دولتی (دولتی) و کشتی نوبخانه فرانسه (آپس) و (بجلیت) از مرکز خود دور افتاده و نقصانی زیاد یافته اند .

§ در مجلس سنای انگلستان مسودہ قانون وظیفہ برای پیر مردان فقیر بار سوم قرائت شد .

§ در پاریس مزدوران شورشی نموده بسیاری از آپہا دست از کار کشیده در (دراویل و گنو) و (ویلی نوب) نشان سرخ برافراشته با قشون مقابلہ کرده بالأخرہ سواران بر آنها حملہ نموده مغلوب شان نمود .
§ در مجلس سنای انگلستان مسودہ قانون دارالعلوم بار سوم قرائت شدہ امضا یافت .

§ جماعت مزدوران انگلیسی در موسم بہار آیندہ در آلمان خواهند رفت تا بین عملیات انگلیسی و آلمانی استحکام روابط اتحاد نمایند .

§ ترمیمات مجلس اعیان انگلستان در مسودہ قانون وظائف معمرین را مجلس شورای ملی منظور نہ نمود ، از این رو (لارڈ لندون) سعت شکایت کرده و اظهار داشته کہ در اینصورت از این بد مجلس اعیان بہبجوجہ بر ہیچیک از مسودات قانونی بحث نخواهد کرد .
§ در انقلاب (دراویل و گنو) ۷۹ افسر و سرباز مجروح شدہ و بسیاری از اشرار را حبس نموده اند .
منظم انجمن مزدوران و اعضای آن نیز گرفتار شدہ ند .
§ از مزدوران فرانسه مجرم بغاوت ۹۳ نفر دیگر گرفتار شدہ و نیز حکمنامہ گرفتاری بسیاری صادر شدہ است .

§ در پاریس عملیات ادارات روزنامہ ہا دیشب بہبت مجموع دست از کار کشیدہ زیاد بر صف حرابہ امروز صبح اشاعت نیافتہ اند .

§ خبری از (سومالی لند) رسیدہ کہ تاریخ ۱۲ ماہ گذشتہ بین (بیجر دی جیورجیو) ایتالیائی و جماعت (چال) مقابلہ شدہ ، باغیان سد نقصانی زیاد عقب نشسته ، از ایتالیا بک لغنت و ۲ سرباز مقتول و ۶ نفر مجروح شدہ اند .

§ با اینکه در پاریس مزدوران خدمات مرجوعہ خود رجوع نموده اند باز ہم گاہ گاہی بین پلیس و مزدوران زد و خوردی می شود .

§ (برسیدنت فلاریس) بہ پاریس مراجعت نمود .
§ در (سبگون) مجرم مسموم نمودن ۲ نفر سربازان بومی را سزای اعدام و (۷) نفر را بہ حبس دوام حکم دادند .

§ (ادورد ہفتم) و ملکہ انگلستان بر جہاز (اندو موتیل) سوار شدہ دور جزیرہ (ویت) سیاحت خواهند نمود .

§ دیشب شہر پاریس تا دو ساعت تاریک بود ، تمام عملہ چراغ برق دست زکار کشیدہ بودند در نیازہ باری موقوف شد .

§ (برسیدنت فلاریس) رئیس جمہوری فرانس وارد (کریشچینیہ) شدہ (کینک ہیاگور) و ملکہ (مود) باستقبال آمدہ بودند .

§ تلگرافی از (ہنکانگ) رسیدہ کہ جہاز جنگی انگلیس (نایتنگ) کہ در طغیان دریا بساحل افتادہ بود باز بدریا انداختہ شد ولی نقصانی زیاد برداشتہ است .
§ رئیس جمہوری فرانسه از (کار بستخانہ) رخصت شد .

§ جہی از چینیان (کلستان) در وقتی کہ سربازان فرانسه تعاقب آنها کردہ بودند از کمین بر آمدہ حملہ نمودہ ، یک کپتان و یک لغنت فرانسه را بقتل رسانیدہ اند تلفات چینیان در ۱۵ روز گذشتہ (۵۴۹) نفر مقتول و (۱۱۲) مجروح بفل آمدہ .

§ از تلگراف (بیکن) ظاہر می شود کہ پارک آلمانی سوختہ ، وار رسیدن حریق در قورخاہ ۲ نفر آلمانی و یک سرباز فرانسوی ہلاک و ۱۷ آلمانی و فرانسوی مجروح شدہ اند .

§ امروز در پاریس امنیت حاصل است .

§ کشتی موشک (اند و موتیل) کہ حامل شاہزادہ ولیسہد انگلستان است وارد بندر (کریس) شدہ بحر (اتلانگ) را باصلہ پنج روز و ہیچدہ ساعت و جبہل دقیقہ طی نمودہ ، ہیچکدام از حمرازات جنگی باین سرعت تا امروز طی مسافت نکرده بودند .

§ امپراطور و امپراتریس آلمان وارد (استوکہلم) شدند ، پادشاہ و ملکہ انگلستان معظم الیہا را استقبال نمودند .

(میکادو نامه)

میکادو نامه منظومه است در جنگ روس و ژاپون که بوضع شاهنامه نگاشته شده، و دارای ۵۸ عکس های حقیقی میدان جنگ میباشد با کمال امتیاز بطبع رسیده. هر کس خواستگار باشد با اداره جیل المتین کلکتہ رجوع باید قیمت در هندوستان سه روپیه، ایران يك تومان. اجرت پست به ذمه خریدار است

کتاب موجوده در اداره برای فروش

روپیه - آه

- : ۴۰۰ بحار الانوار کامل
- : ۱۵۰ سکندر نامه قلمی ترکی
- : ۱۲ تاریخ سر جان ملکم مصور
- : ۴ سفرنامه مظفرالدین شاه مرحوم
- : ۸ سوانح عمری امیر عبدالرحمن خان مرحوم (در دو جلد)
- : ۵ ینایع الموده چاپ اسلامبول
- : ۸ ۱ هرات عوائد ملل
- : ۶ آثار هم
- : ۸ ۸ احوالات حضرت زینب سلام الله علیها
- : ۲ میکادو نامه مصور
- : ۲ مکلة سیاح ایران
- : ۱ داستان شکفت
- : ۸ ۱ دیوان سرخوش
- : ۸ ۱ دیوان حافظ چهارم عکسی
- : ۳ رباعیات مولانا روم
- : ۴ دیوان قنديل (کاغذ و طبع ممتاز اعلی)
- : ۴ قصائد قافی
- : ۷ منتخب قصائد قافی
- : ۴ ابراهیم بیگ جلد دوم
- : حاجی بابا اسفہانی مصور (در دو جلد)
- : ۸ گنجینه باقری (غزلیات)
- : ۸ اخوان الصفاء (اردو)
- : ۴ منتخب مثنویات سودا (اردو)
- : ۱۲ آرایش محفل (اردو)
- : ۴ نثر بی نظیر (اردو)
- : مجلدات جیل المتین سال ۸ و ۹ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳
- : و ۱۴ و ۱۵ فی جلد پانزده روپیا

§ از حربی که در خیابان (کروس نست یاس) که در (برتس کولیباست) هزان مربع آبادی سوخته شهرهای زیاد ویران و هزار ها بی خانمان شدند، ۱۷۰ نفر مفقود الخبرند

§ در (قسطنطین) زلزله شدید شده و قصائی زیاد رسانیده، در شهر از تلفات نفوس خبری نیست اما در مضایقات شهر بسیاری هلاک شده اند

§ از اخبارات روسی ظاهر می شود که در (کولیبای انگلیس) حربی واقع و ۳۰ نفر هلاک شده، و قریب (۲۰۰۰) نفوس غیر معلوم اند (سکنیک ادورد) (شاهزاده ولیمسد) و (لاردمنتو) تلگراف همدردی موده اند

§ تلگرافی از (پتسبرگ) رسیده که وزیر خارجه روس و سفیر ژاپون از (کارلین) جبهه معین کردن حدود جزیره (سفالین) عخابه می نمایند

اعلان

تاریخ سر جان ملکم مصور که نقشه ایران را هم داراست بطبع اعلی، کاغذ و خط خوب، در نمبر ۱۶ و کتوریا رود - کریسی لهن، ماز گام، بمبئی - نزد آقا میرزا محمود صاحب تاجر کاشانی، و در اداره جیل المتین کلکتہ بقیمت دوازده روپیه بفروش میرسد، اجرت پست بر ذمه خریدار است، بهر يك از این دو مرکز میتوانند رجوع نمایند

نقشه ایران نیز علیحده بقیمت دو روپیه بفروش میرسد

اعلان

جلد دوم ابراهیم بیگ که افراد ملت را بهترین تاریخ غیرت در حب وطن است با کاغذی بسیار اعلی و طبعی لطیف خوب در سیصد و بیست و پنج صفحه قطع جلد اول کتاب موصوف برابیه فروش در اداره موجود است، این کتاب گویا لازم بمعرفی باشد، همین قدر کافی است که بگویم این جلد از جلد اول نافع تر و دلچسب تر است، هر کس جلد اول او را ملاحظه نموده از مذاق مؤلف و سیاق کلام و خیالات عالی آن بخوبی واقف است، که در زبان فارسی کتابی باین سبک و سیاق نوشته نشده، قیمت چهار روپیه، اجرت پست بر ذمه خریدار است

ترجمه روزنامه (آکسیون)

مورخه پستم ژویه ۱۹۰۷

(گرداوا) یا استعمال زور دولتی در طهران
(حقیقت امر در باب شورش ۲۴ ژون) بر تصمیمی
مجلس - مسئولیت صاحب منصبان روس

در خاطر داریم که ۲۴ ژون گذشته قزاق‌های شاه در ایران که تحت فرمان صاحب منصب روسی کرنل «لیاکوف» بودند قصر مجلس را به توپ بسته و وکلا را پراکنده نموده و مسجد همسایه را که جوی پناه برده بودند حراب کردند

آ حال در باب این اتفاقات اخبار صحیح و درست در دست نبود، و خیلی اشکال داشت که بدانیم بطور بن اتفاقات اوتاده، خیلی‌ها نوشتند که دفاع کنندگان مجلس شروع جنگ کرده بودند، تقریباً تمام عالم‌کن میگرد که شاه ایران خودش تنها ترتیب (گرداوا) داده و مسئول قتل عام بوده، اما حال از کافذهای موثقی که متدرجاً از شاهد هائیکه برای المین واقعه را دیدند میرسد اصل مطالب دیگرگون از برده بیرون می‌آید. و چون این زودی‌ها در ایران امنیت و آرامی حاصل نخواهد شد و از این افتشاشات اختلافت بزرگ بین‌المللی میتواند حاصل شود، لذا خیلی حقیقت است که از روی صحت بدانیم که این اتفاقات بجه طور شروع شده است

می‌خواهیم بنظر مطالعه کنندگان اخباری را که از ایران از يك قردوست روزنامه (آکسیون) رسیده رسام، در صحت این مقاله جای هیچ شبه نیست و باوجود اینکه فقط ما وقع را می‌نویسد باز مطالعه کنندگان بدون اضطراب متدرجات آنرا نخواهند خواند

ابتدای طوفان

من می‌خواهم بشما از روسیه صحت آنچه که رأی المین دیده و یاد داشت کرده‌ام تعریف بکم و در واقع این نخواهد بود، مگر شمه از حوادث ولی میتوانم شمارا اطمینان بدم که همگی صحیح است.

صبح همان روز بدبخت شاه اعلانی بتوسط وزرایش منتشر حکم کرد بملت خبر می‌داد بهیچ وجه نباید از تعرض دولتی در حق خود مخوف باشد، باوجود این چند ساعت بعد خبر رسید که دور مجلس و مسجد را که محاور آن است محاصره کردند، در این مسجد ازنجار و اصناف جمع ودارای هیچگونه اسلحه نبودند، همین قدر برقراری مشروطیت را میخواستند، در مجلس باوجود خطر عمده از وکلا و چند نفر از علما حاضر بودند

این لشکر کشی طبعاً باعث اضطراب بود، و يك وقت خبر به مجلس آوردند که انجمن‌ها چند نفر اشخاص مسلح فرستاده‌اند که اگر حمله بر اشخاصیکه در مسجد بودند بشود عندالضروره از آنها دفاع نمایند و فی‌الغور چند نفر از وکلای با قوذ خود شان را برای جلوگیری استعمال اسلحه و برای اینکه باشخصی که آنجا بودند سفارش دهند که ابدأ سوء رفتار و بی احترامی بقزاق نه نمایند به مسجد رسانیدند

حرکت صاحب منصبان روس

چون اضطراب کم پیشتر می‌شد وکلا بمصاحب منصبان قزاق اظهار کردند که آمده با آنها گفتگو نمایند، اما تعجب وکلا خارج از حد تصور شد وقتی که دیدند تقریباً کلیه صاحب منصبان هوش ایرانی روسی هستند، و این تعجب مبدل بر حیرت تمام شد وقتی که معلوم گردید که قزاق حکم صریح به حمله کردن مجلس و مسجد داده شده است، کمی بعد وقتی قزاق بناییه هجوم گذاشت و دو نفر صاحب منصب ایران که در جزو آنها بود و نمی‌خواستند حمله کنند فوراً بضرب گلوله کشته شدند، پناهندگان مجلس بمقام دفاع برآمدند، اما چیزی نتوانستند بکنند چرا که از چهار طرف دفعتاً مسجد و مجلس را تیر باران می‌کردند، آسمان تنها به تیر تفنگ بلکه گلوله‌های نوب نیز از هر طرف می‌بارید و انما يك منظره مصیبت انگیزی بود و اسان خود را در جنگ حقیقی تصور میکرد

بهاران که قزاق‌ها تیر اندازی می‌کردند هم می‌ریخت، و قطعه قطعه حراب می‌شد، همینکه در تیر اندازی کمی تخفیف پیدا می‌گردید چند نفر از وکلا از قزاق و سوارهای فراحه دانی که در تحت فرمان امیر بهادر بودند خواهش می‌کردند که دست از قتل و غارت بردارید، ولی بجای می‌رسید چرا که صاحب منصبان روس را حکم قطعی در دست بود

فتح قزاقها

چون قصر مجلس دیگر آب مقاومت نداشت وکلایکه آنجا بودند خارج از باغ مجلس شده و خودشان را در باغ همسایگی مجلس پناهنده و چند نفر از علما باریس مجلس وعده از وکلای سالم‌النفس در آنجا بودند بعد از مشاوره قرار گذاشتند که اعلانی نوشته آرامی و رفع خوف و ترس را بملت توصیه نمایند، و مخصوصاً رئیس و یکی از علمای مشهور امام جمعه حقوق منقلب شدند که این اعلان را بنویسند، در این بین که سایر وکلای حاضر هم اعلان نامه را امضا کردند، دفعتاً دیدند که قریب صد نفر قزاق بیابغ

ورود کرده و بنا بر این تیر اندازی را بطرف آنها گذاشتند (مقصود گویا باغ امین الدوله است) وکلایک ابدای دارای اسلحه نبوده خواستند بیک وضعی مقصود صلح جوئی خودشان را نشان بدهند ، ولی تیر اندازی ساکت نشد ، و میان آنها یکی از معتبرین حاجی میرزا ابراهیم را در حالتی که دست هایش را برای علامت صلح بلند کرده بود قزاقها به تیر تفنگ از پا انداختند ، بعد از کشتن چند نفر از وکلا قزاقها بعضی از آنها را هم گرفته و سه نفر از رؤسای بزرگ علماي محترم سید عبدالله و سید محمد و امام جمعه را بعد از کورتک کاری زیاد دستهای شانرا بسته و در جلو اسب خود شان بیای پیاده حرکت دادند و زیر ضرب شلاق آنها را در این حالت تا باغ شاه بردند

مسئولیت

امروز روس ها در طهران صاحب قدرت کل هستند ، و وزیر مختار روس که قبلاً محرک این وقوعات وحشت انگیز است ، حالا در طهران بهمرای هموطن خود (لیا کوف) که حاکم شهر مقرر شده است سلطنت می کند

ملاحظه مرادوات خودشان با سفارت روس سایر سفارت ها نیز مداخله نکردند ، ولی در خلوت دیپلمات ها اظهار میکنند ، که روسها تقصیر دارند بر عکس تبه های خارجه که رسیت ندارند ، عقیده خودشان را در حق وزیر مختار روس علناً می گویند ولی ایرانی ها از ترس جرئت نمی میکنند بروس ها ایرادی بکنند

از تمام ولایات تلگرافات مبنی بر اقبای کنستینون رسیده ، اما بواسطه سپرده شدن تلگراف خانه و بستن بدست اشخاص که مخصوصاً منتخب شدند مخبرات و مکاتبات را نمی رسانند

آیا پارلمان های ملی خارجه از آنچه به مجلس ملی ایران وارد شد متأثر خواهند گردید ؟ در هر صورت آنچه را که لازم است اهالی اروپ بدانند این است که مشروطه طلبان شروع به مخالفت نکردند ، و ابدآ در مجلس اسلحه وجود نداشت ، کرنل (لیا کوف) اشخاصی را که ابدآ خیال حمله نمودن بلکه بدفاع کردن خود هم وسیله نداشتند تیر باران کرد

ترجمه فصل دیگر از همان روزنامه

پلیک

(استعمال زور (کرداطا) در ایران و مسئولیت) هیچ کس مخصوصاً در فرانسه فراموش نکرده است (کرداطا) را که ۲۳ ژون وجود مجلس ایران

را موقتاً نابود کرد

چون در مملکت ما نیز هیچدم بروسر مطابق نهم نوامبر (۱۷۹۹) مسیحی ناپلیون اول در (سن گلو) نزدیک یاریس (کرداطا) کرده و بجای حکومت (دبرکتوار) قونسول گری را برپا نمود ، و باین وسیله حکمرانی مملکت فرانسه را در دست گرفته و با تدابیر به امپراطوری رسید ، و دویم دسامبر (کرداطا) است که لوی ناپلیون در سنه ۱۸۰۱ مسیحی کرد و از ریاست جمهوری به امپراطوری رسید

لهذا ما بهتر میدانیم که در چنین مواقعی باید نه غافل شد و نه نا امید ، اما پیش از همه از آنچه که واقع شده است باید درست مطلع شد

حکایت ساده و رقت انگیزی که امروز روزنامه ما (آکسیون) عیناً بطوریکه یکی از دوستانش از ایران نوشته بود منتشر نمود ، کمی روشنائی روی این حادثات خارق العاده خواهد انداخت ، و اینک آنچه که در این حوادث مستوجب توجه مخصوص هستند ، اجمالاً متذکر می شویم

ابتدا این واقعه را مثل کشتی دو نفری تصور کرده بودند یعنی میان پادشاه و مجلس ملی ایران از مارتیکه ما اینک منتشر می کنیم معلوم میشود که يك نا امانی هم در میان بوده است ، این ناک عبارت از صاحب منصب روسی است که فرمان ده قزاق ها بود ، و با مجلس طهران همان رفتاری را کرد که امثال او با کال مبل با (دوما) روس کردند

شاه صبح همان روز دستخط صاحب انگیزی نوشته بود ولی در هر حال مصمم استعمال زور بوده است ، باعث آن قویت وزیر مختار روس بوده است ، و الا بطور میشود که روز مزبور سرکردگی قزاقی های ایرانی بطور انحصار بصاحب منصبان روس سپرده شود ، و (لیا کوف) که به میلی اجیر شده است ، سر کرده و فرمان ده آنها معین گردد

در همراهی اجرای این حوادث و دادن پول در خفیه بدربار ایران (مسیوهارتریک) وزیر مختار روس در طهران بیک مسئولیت بزرگی را بر خود وارد کرده است

بجهت اینکه بمجرد وقوع غلبه صاحب منصبان روسی بیک خطر بسیار عظیمی ناگزیر بود

معلوم است (کرنل لیا کوف) و زبردستان او (کلسی سیون) دولت اجنبی را محترم نمیداشتند ، و آقدر هم وجدان نداشتند که جلوجمیت بی اسلحه آن تاشاگاه بهت انگیز و رقت افزا را در آورند و وکلای

باعث و وطن پرست ایران را با کلوله و نارنجک از اطاعتشان رانده و آنها وجدان و وظیفه ملی خودشان را فراموش نکرده بودند جاسیے دیگر جمع شده و عرض جلوگیری ریزش خون اثنای وطن خودشان توصیه نامه و اعلان صالح خطاب به ملت بنویسند

بهر صورت خطر هوانا و وحشت انگیز واقع شد، ولی قهراً باید تأسف بی اندازه در آن باب اظهار کرد، بجهت قتل فوسیکه شده است، و از طرف دیگر باید معترف شد، که این حادثه ناگوار تعلیمات غیر فانی باقی گذاشت، و کلاسیکه بضرر کلوله قزاق در مافی که اعلان صالح را امضا کرده در حالتی که دست هایشان را بسلامت صالح و تسامع بلند کرده بودند، در شجاعت نالی (بودن) بوده اند (۱)

میانه وکلا و صاحب منصبان روس که بحکم آنها وکلا را قتل عام کرده اند، معلوم است روس ها را ما اروپائی نمی خوانیم (یعنی ایرانیها متمدن هستند نه روس ها)

برای حفظ ناموس دوستان روسی خودمان با کمال میل تصور می کنیم، که دواتی که رئیس آن (مسیر استولی یین) می باشد، مسئول ضبط اعمال بک ملت روسهای مستبد و وجدان بیست (یعنی رئیس قزاقها فقط خود سر اینکارها را کرده و مسئول است)

و آننگی این سبک استعمال زور براسیے انهدام مسلك خود مستبدین بی عقابترین و بدترین وسیله است آرای ایران تا امروز دارای حایت عدالت بود امروز شهدا دارد، دیگر غیر مغلوب است

مباحثات اعضای شورای انگلستان -

در حالات کنونی ایران

(مسترویسن) از معاون وزارت خارجه انگلستان سؤال نمود که آیا قونسل انگلیسی با قونسل روس معیت و شرکت در نگامداری امنیت شهر نموده است؟ معاون وزارت خارجه جواب داد که برحسب اطلاعاتیکه بوزارت خارجه رسیده، و از ملاحظه نوشتهجات رسمیه معلوم می شود سکه قونسل انگلیس هیچگونه مداخله در امور داخله ایران نه نموده و مآذون به چگونگی مداخله هم عیباشد

(دکتر روتنر فورد) از سر ادورد گری وزیر خارجه سؤال نمود این خبر صحیح است که قونسل جنرل

انگلیس در تبریز از بنای دادن مشروطین درین جنگ عظیم حلیه انکار نموده است؟ هرگاه این خبر مقرون بصواب است بیان نماید علت امتناع قونسل را

(سر ادورد گری) وزیر خارجه جواب داد که بنای گزینی در قونساخانه جز در مقام خطر جان جائز نیست، گویا مشروطین تبریز چنین خواهش داشته اند که قونساخانه انگلیس را مأمین مقاصد بلتیک خود قرار دهند، ظاهر است که قونسل انگلیس هرگز مجاز در قبول چنین امر نبوده و هرگاه چنین امر را جائز قرار داده بود در استعمال قوت زیاد در تصرف نامور داخله ایران ناجاز می شدیم علاوه آنچه در آنوقت محقق بود مشروطین تبریز این خواهش را وقتی نموده بودند که دست بالا را داشتند

(دکتر روتنر فورد) انکار قونسل تبریز در بنای دادن مشروطین مخالف با اقدامات سفیر ما در طهران نبوده است؟

(سر ادورد گری) سایر حرکات قونسل تبریز با سفیر طهران منافی نبوده، چه در طهران بناهندگان را خوف جان در پیش بود و این خوف مشروطین تبریز را پیش نیامده بود؟

(مستر لئیچ) از وزیر خارجه سؤال نمود که آیا میتوانیم برشش نمود که قونسل جنرل انگلیس تاکنون در تبریز هست یا نه

(سر ادورد گری) من یقین دارم که در تبریز باشد (مستر لئیچ) آیا وزیر خارجه میتواند اطلاعاتیکه از جنرل قونسل تبریز در خصوص انقلابات آنجا داده بدارالشوری پیش نماید؟ آیا خبری بوزارت خارجه درین خصوص رسا رسیده است؟ آیا قونسل انگلیس با قونسل روس معیت در صالح بین شاه و مشروطین داشته است؟ یا نه

(سر ادورد گری) خبر های چند با رسیده که من جمله ترقی روز افزون جنگ تبریز بین مستبدین و مشروطین است، خبر تازه که یافته ام این است سکه مستبدین با سواران شاه متفق شده ۲۰ جولای بر مشروطین حمله نموده، ولی سواران شاهی شکست یافته بمقام ارابه خود عود نموده اند، وانجمن ها و غیره تمام تبیضه مشروطین آمده است، بک از ملامهای شاه دوست بر بام انجمنی علم تسامع بلند نموده بود مشروطین ریخته علم را

(۱) (بودن رئیس ملت فرانسه که در مناومت جنگ کرده و بالای سکر خود متولد شد)

پاره کردند ملای موصوف و نایب الحکومه از خوف مشروطین مخفی شده اند، از اخبارات جدیده چنان معلوم می شود که مجدد در تبریز جنگ شده و این نیز قرین قیاس است ولی از نتیجه آن آگاهی ندارم، اما جواب از سوال آخری شما این است که دولتین روس و انگلیس متفق الکلمه اند که در امور داخله ایران به جبر و عنف هیچ گونه مداخلتی نمایند

(مستر لنج) بر حسب خبر جدیدیکه پا رسیده سیم تلگراف را در تبریز و بواح آن قطع نموده اند، آیا برای حفاظت و استعمار از حال فوسلخانه انگلیس هیچگونه تدارکی شده است

(سر ادورد گری) تا جائیکه من مطامع وطمینان دارم برطایای خارجه هیچگونه صدمه وارد نخواهد آمد، اقطام ایران با ایرانیان است باید خودشان نمایند (مستر آشل) آیا میتوانید بیان نمایید که افسران روسی هنوز هم در قشون شاه هستند؟

(سر ادورد گری) تا جائیکه من اطلاع دارم در تبریز و نه در طهران هیچ افسر روسی در قشون شاه نیست (مستر ریس) آیا میتوانید بیان کنید که درین انقلابات ایران هیچگونه صدمه برطایای خارجه هم رسیده است؟ یا نه

(سر ادورد گری) برای جواب ازین سوال باید تدارک تواریخ بسیار نمود (مجلسیان خندیدند) (مستر لنج) آیا میتوانید بیان نمایید که مخبرات در خصوص سرحد ترکی و ایران بکجا منجر شده است؟ آیا قشون عثمانی از (پساوا) ی ایران هم خارج شده؟ یا نه

(سر ادورد گری) مخبرات در باب مناقشات سرحدی ایران و عثمانی جاری است، و من کاملاً واقف از کیفیت (پساوا) می باشم، ولی ۲۳ جولای در جواب نماینده گان روس و انگلیس صدر اعظم عثمانی وعده صریح داد که فوراً قشون خود را از سرحدات داخله ایران خارج نماید، درین صورت (پساوا) نیز در همان سرحد شامل است، اگر قشون عثمانی تجاوز بر آنجا نموده بموجب قرار داد تخلیه خواهد نمود

﴿ جبل المتین ﴾

ما کمال تشکر را از سر ادورد گری و بربر خارجه انگلیس داریم که با رأی مستقیم و مسلک قویم یک پا ایستاده که اجانب در امور داخله ایران تصرف نیسند، و ایرانیان این بر طرفی دولت انگلیس را بچشم حقانیت و انصاف و اسانیت مینگرند، خوب است روس ما را هم که طرف معاهده انگلیس درین موضوع

اند بعد از آن همه تصرفات غیر مشروع که در معاملات ایران نموده دعوت بیدم مداخلت در امور داخله ایران نمایند، اگر چه از قرائن ظاهر است که (سر ادورد گری) در این خصوص با وزارت خارجه بتوسیرک مخبرات لازمه نموده و خروج افسران روسی از قشون شاه چنانچه ارتلکرافات و جواب سر ادورد گری ظاهر است نتیجه همان اقدامات بوده است، بار هم باید در این موضوع دولت انگلیس اقدامات جدی نماید، و بظاهر داری روسها قانع نشود، ورنه نتیجه بر عکس خواهد بخشید، یعنی اگر دولت انگلیس خود را بی طرف قرار دهد و مانع روس نشود که هر گونه مداخلتی که بخواهد در ایران نماید چنانچه نموده عدم مداخلت انگلیس بیشتر مضر بحال ایران خواهد بود، و نتیجه آن این خواهد بود که انگلیسها از روی معاهده با روس ایران را در فشار روسیان گذارده اند، و این نکته منافی با بی طرفی است بلکه در باطن اشد طرف داری از روس میباشد

﴿ بی قراری ایرانیان رنگون ﴾

از قراریکه اطلاع حاصل نموده و در جراند انگلیسی دیده ایم ایرانیان مقیم برمه و بندر معترة رنگون از استماع اخبار وحشت اثر ابراهیم سخت بیبجان آمده و بتوسط جناب آقا محمود و ایس قونسل مجرول قونسلگری کلکته تلگراف نموده و خواهش کرده اند که مستدعیات آنها به طهران بخابره نمایند خلاصه مستدعیاتشان ازین قرار است، پای بندی بقانون اساسی انعقاد قوای پارلمان، ترک جنگ خانگی، ورنه همه حاضرند که بیزاری خویش را از شاه رسا پیش نمایند

﴿ جبل المتین ﴾

ما ایرانیان رنگون را بشارت و اطمینان میدهم که پس از تکفیر علما از محمد علی میرزا ایران را شاهی نماید، و قبل از آنیکه ایرانیان از او بیزاری جویند خدا و رسول از کردار کافراه او بیزاری جسته و برا از سلطنت مسلمین خلع نموده، حالا همه باید خورسند و منتظر شاه جدید باشند و نام محمد علی میرزا جز بلامت و نهاتت آنها در تواریخ پیدا نخواهند کرد، و بحامیان دین و یشوایان مسلمین دعا گو باشند که شر جنین ماحد مرتدی را از سر آنها کم نموده اند، چه بر فرضهم جان بی هوته کند و حرکت مذبح کند هیچ نتیجه بر آن مرتب نیست، یعنی محمد علی میرزا دوباره مالک تاج و تخت ایران و پادشاهی بر ایرانیان نخواهد شد

مؤجل المین کلکتہ
مدیکل کالج استریٹ نمبر ۴

Habibul Matin Office
4, Medical College St.,
CALCUTTA.

وکلا ذمه دار ابوجبات مشترکین اند
(بدل ابوة اخبار پیشی گرفته میشود)

قیمت اشتراك
سالانه -- شش ماهه
هند و برمه

نامه مقدسه

المبتليک

سنه ۱۳۱۱

کلیه امور اداره با
مدیرکل مؤیدالاسلام است
هر دوشنبه طبع
و سه شنبه توزیع میشود
یوم دوشنبه
۲۶ رجب ۱۳۱۱ هجری

۱۲ روپه -- ۷ روپه
ایران و افغانستان
۲۰ قران -- ۲۵ قران
عثمانی و مصر
۵ مجیدی -- ۳ مجیدی
اروپا و چین
۳۰ فرانک -- ۱۶ فرانک

سکون ابرار خالی از یک حرکت شدید نتوان دانست

متجاوز از سی سال است قاطبه سیاسيون را يك جنگ عمومی دول هماره مخوف و هراسناك داشته ، و نادره پیش آمد این واقعه مدهش را قطعی دانسته اند که تالی یکی از مواد طبیعی حتمیه لوقوع بنداشته ، رای دهاع و نوبه از پیش آمد چنان روز ، همه روزه دارند بر هوای دفاعیه خود افزوده ، و در اختراعات جدیده اعدام نوع خود در این مجبوحه تمدن بر یکدیگر سبقت می جویند ، و بواسطه این وسائل فحیبه قطعه معموره اروپا حکم يك دینامی را کسب نموده ، که در اندک تصادمی خوف ترکیدن آن و اعدام مایونها اولاد انسان می رود خوف فشار و ترکیدن این دینامت زمانی در معاملات عثمانی دامنگیر بوده ، و گاهی در افریقای غربی و وقتی در اقصای شرق مورت هراس گردیده ، ولی تا امروز از همه این عقبات بسلامت گذشته است اینك غالب سیاسيون را خوف ترکیدن این دینامت در مسائل راجعه با بران دامنگیر شده است (۱) چه امروز نقطه که منها درجه اهمیت را سیاستاً و اقتصاداً داشته باشد ، و قابل عناد و موضوع رقابت دول واقع تواند شد همان ایران است . تا چند سال قبل ایران فقط میدان رقابت روس و انگلیس شناخته می شد ، ولی از هفت سال باین

طرف چنان رقیبی قوی بجه برای آنها پیدا گردیده که رقیبای دیرینه را ناچار به ترك رقابت کرده دست اتحاد یکدیگر داده در مقابل این رقیب تازه زودمند دارند احداث قونی توام می نمایند آن رقیب تازه روس و انگلیس هما آلمان است که امروزه هر طرف رو میکنند گویا بند دل سیاسيون را میگلاند

شالوده این رقابت از بعد حصول آلمان امتیاز راه آهن بغداد را از عثمانی گذارده شده ، هر قدر داتوره این امتیاز وسعت پیدا کرده و تعمیر این راه و انجام این عمل نزدیک شده ارکان این رقابت مستحکمتر گردیده است تا زمانیکه روس این حال ضنف و اضمحلال را بیضا نکرده بود انگلیس بدان امید بود که روسیان برای جلوگیری نفوذ آلمان در ایران کافی است ، فقط هم انگلیسان ملحصر در جلوگیری اثرات راه آهن بغداد از طرف سواحل خلیج فارس بود (۲)

از وقتی که روس آن ضربت شدید را از ژاپون یافت ، و آن گونه قوای وی درم شکست ، و آلمان در ابراز امتیاز افتتاح بنگ و مدرسه حاصل کرد انگلیسها دانستند (این رشته سردراز دارد) و روس به تنها قادر بر جلوگیری نفوذ آلمان در ایران ازین و بد نخواهد بود ازین رو آن عقد اتحاد چنانی را با روس بسته دوام سیاست يك قوه رقابتی در مقابل آلمان تشکیل

(۱) خبر به پتند کسانیکه این جوان بی تربیت را باین حرکات مفتضحانه و ادار کرده این خوف عظیم را دامن گیر حال حایفه ایران کردند ، ورنه پس از مشروطیت سلطنت اگر ملت و دولت توام باصلاحات ملکی خود و حیانت انگلیس پیش برداخته بودند امروز خوف شکستن چنین گردون بر سر آنها پیدا پیش نمی آمد
(۲) مناقشه عثمانی و انگلیس در سر جزیره کویت همین سبب پیش آمد

داد، و دار مدار جمیع این کشمکش انگلیسان برای هندوستان است.

صد سال دولت انگلیس زحمت کشید تا حرکات سیاسی روس را بجا ببرد جلوه گیری کرد، بنگ مشغول همان اقدامات سیاسی در جلوه گیری آلمانست، اگر بنا شود که تا تشریحات کامله دون موضوع بدهیم از مقصود اصلی خویش باز می مانیم، فقط من باب المقدمه در اساس این مقاله همین قدر اشاره را کافی می بینداری فعلاً تشکیل دو دائرة رقابت سیاسی در ایران شده، یکطرف روس و انگلیس که بالطبع فرانس و غیره هم شامل اند، از طرف دیگر آلمان و عثمانی که بالطبع آستریا و غیره هم شریک اند، از نتایج همین رقابت است که بجزریکه قشون عثمانی در سرحد ایران بنای نجاور را میگذارد سفير روس و انگلیس توأم با جلوه گیری مستعد میگردند، حرکات عثمانی را مبنی بر مقاصد بلتیک آلمان می شناسند، از طرف دیگر همینکه حرکات بلتیک روسی در طهران و تبریز آشکار میگردند بلاد رنگ عثمانی هم خود را جلو اداخته روسها را پیش پای خود نشستن میخواند.

در حقیقت تمام بساطهاییکه از قبل مشروطیت تا امروز در ایران پهن شده بساط رقابتی بوده است، بسایت گاهی ملت سنگ روی میخ شده، وقتی دولت يك وقت ضعیف شده يك مرتبه ضرر، در هر صورت ملت و دولت ما آله مقاصد سیاسی دیگران واقع شده اند تمام واقعات دعشتاك الحیره و خون ریزیهای ایران رقابتی بوده، یعنی کلیه این گریه و قصاصها محس حصول يك مرج و مرج شدید در ایران و بدست آوردن پناه برای استناد يك کانفرنس و بستن يك معاهده بین الدولی مانند مراکو بوده است.

تصفیه يك چنین معاهده را درباره ایران برخی گمان میکنند قبل از وقت بین دولتم روس و انگلیس شده است

قائده چنین معاهده برای دولتم بسیار است، من جمله حقوقی که پس از زحمات بسیار موهوماً برای خود در ایران قائم نموده و در حقیقت با در هواست میخوانند درین کانفرنس مسجل کرده حق ثابت بیه دار خود قرار دهند، و ضمناً حدودیم برای عثمانی و آلمان معین کرده، بدین وسیله از تشبثات سیاسی آنان در ایران آسوده مانند، چه ظاهراًست مسئله که در کانفرنس بین الدولی موضوع بحث شود منوط اعتبارش کثرت آراء

است، مسلماً روس و انگلیس و فرانس بعید نیست ابتالی یکطرف رأی داده آلمان و عثمانی و آستریا یکطرف گمان میبرد که قلبه آراء بطرف روس و انگلیس می شود ازین است که روزنامه (نوبورجیا) که زبان وزیر خارجه روس است تحریک بالعقاد چنین کانفرنسی می نماید ولی مسئله مراکو آلمان را هوشیار نموده باین سهولت مشکل است زیر این بار برود

چون امروز ابرار پادشاهی نیست که بتوانند مانند مراکو از او همه مسائل فیصله شده کانفرنس را بگیرند، ممکن است در پیشرفت مقاصد سیاسی خود راهی دیگر اختیار نمایند و بگویند چون در ایران در سال مجلس شوری ملقود و هیچگونه بهتری در حال آن بدید نگردید، و پادشاه حالبه نیز علاوه بر اینکه لایق خود مختاری نیست ملقور ملت و مردود علما هم شده از یقور آنتی بین این شاه و ملت محال، ولیعهد هم که طفل است آوقت صلاح ابرار چنین ظاهر دارند که پارلمان قائم و ولیعهد نیز بجای شاه و بکنفر نیز نایب السلطنه برای او معین شود، ولی برای اصلاحات ملکی باید هیئت از چند دولت انتخاب گردند، درین صورت يك قرصه بین الدولی هم برای اصلاحات ملکی تجویز خواهد شد، در آن وقت حال آینده ایران هزار درجه از مصر بدتر خواهد گردید، چه اگر مأمورین ده دولت هم در ایران منصوبی اصلاحات شوند، همینکه جنسی گذشت همان دولیکه رسوخشان طبعاً پیش تر است رفته رفته مالک بالاستقلال خواهند گردید، اینها همه مظلونات اخبار سکاری از روی قرائن سیاسی است، و مسلماً افکار ما سبب بخیالات آن دیپلماتهای بزرگ که این همه رنگهارا بآب رده خیلی فرق دارد، یعنی ممکن است آنها را همکاری باند عبر از اینها و تصور ما بکنه آن نویسنده باشد، ولی دو نکته مسلم الثبوت را بارباب حل و عقد ایران تقدیم می نمایم.

اول آنکه از روی قطع و یقین بدانند که کانفرنس بین الدولی هرگز برای ایران مفید نخواهد بود و آن ممکن است نباید زیر این بار رفت، و اگر کانفرنسی بدون اجازه ما منعقد شد مسائل فیصله شده آنرا هرگز قبول نمیکنند که اگر سرآیا هم نفع ظاهر شود لابد خساره برای ما خواهد داشت که خود مان ملتفت آن نخواهیم بود. دوم هرگز تصور نمائید که جلس اروپائی بالأصله در خیر آنها اقدام بکاری نماید، چنانچه تا امروز به

غیر جنس خود خیری نرسانیده اند

اما دولتی که تفع در انعقاد چنین مجلسی باشد برای انعقاد آن ادله بسیار ذکر خواهند کرد که عمده آن زور خواهد بود، ولی برای گول زدن ما و ظاهر استن زبان معترضین - خواهند گفت مخالفت ملت و دولت و انقلابات داخلی و جنگ خانگی و قدرت ملت از دولت و تکفیر علما از شاه و عدم پیشرفت مجلس درین دو ساله بسیار ساده بی لیاقتی ایران را در انتظامات مملکتی دلیل است ازین خواستگار انعقاد چنین کافرانی خواهند گردید، حرف این است که انعقاد این کافرانی را که امروزه در باطن روس و انگلیس خواستگارند، محض برای جلوگیری آلمان میباشد. عرضم این نکته را بخوبی دانسته و از مسئله مرا که که کافیست را باحت سر مشق گرفته است. لذا حق الامکان زربار انعقاد کافرانی بین الدولی در مسائل راجعه بایران نخواهد رفت. شاه نیز که از میان برداشته شود مسلم است ارباب حل و عقد ایرانهم باین تکلیف تن در نخواهند داد. ازین رو تا درجه میتوان امیدوار گردید که چنین کافرانی در امور راجعه بایران مشکل است صورت بگیرد. فقط چیزی که دانشمندان سیاست را مشوش داشته سکوت و صموت عمیقی است که از بعد تکفیر رساله علما از شاه در کلیه امور راجعه بایران پیدا شده چه مسلم است امر تکفیر شاه از طرف رؤسای مذهب چون رساله بوده لباس دیپلماتی پوشیده. فعلاً سربسته و موضوع بحث سیاسیون است. اگر در ملاقات کنونی اعلیحضرت ادورد همقم با امپراطورین آلمان و آستریا دوستانه این مسئله که امروزه اهم ترین مسائل سیاسی عالم است موضوع بحث شده و در باب کافرانی بین الدولی در امور راجعه بایران فیصله شده باشد امریست جداگانه. ورنه انعقاد چنین کافرانی امروزه غیر ممکن ظاهر می شود

هر حال این سکوت و صموت غیر مترقبه ایران البته يك حرکت شدید و هیجان بسیار عظیمی در پی دارد، و میتوان این سکوت را طبیعی دانست

این جاست که سیاسیون تصور میکنند که ممکن است در مناقشه همین مسائل چنان فشاری بر آن دینامت وارد آید که از هم ترکیده طلی را بر صدمه عدم کشاند. چه علناً درین میدان مسابقه بکطرف روس و انگلیس و از طرفی آلمان و عثمانی مراتب و هر يك با حرکات پلنگانه دارد آن دیگر را عقب می اندازد. و با فخره بین سیاست نگران و تمام توجهشان این است که مبدا و قیاسان قدسی درین

خاک فرا تر گذارد یا ذره بر نفوذ خویش درین مملکت بی صاحب بیفزاید. يك یارتی شاه را دست آموز ساخت. مجلس شوری را برهم زده باعث قتل هزاران نفوس بیگناه شده صدها آبادی را ویران ساخته تا پایه حقوق بلایکی خود را بتواند به نامی عالی تر گذارد. یارتی دیگر هم در مقابل آن از اقدامات پلنگانه مضاً به تقویت ملت برداشته اسباب خلع شاه را فراهم می آورد. بعید نیست درین کشمکش سیاسی فشاری سخت بر آن دینامت وارد آمده جنگ منتظره عمومی دول اروپا دعوت نماید. چه مسلم است نه عثمانی و آلمان نتوانند دید که يك کف از خاک ایران را روس و انگلیس متصرف شوند. و نه روس و انگلیس ملاحظه خواهند کرد که آلمان و عثمانی بر اقتدارات سیاسی خویش درین مملکت بیفزایند. زیرا مقام و مرکز ایران امروزه در سیاست و تجارت بقدری اهمیت پیدا کرده که هر دولت درین مملکت اقتدارش زیاد شود غلبه او بر تجارت و سیاست تمام آسیا مسلم میگردد. هیچ نقطه که مایه رقابت دول واقع شده اهمیتش اندازه ایران نبوده. ازین روست که سیاسیون را درین کشمکش کنونی ایران خوف عظیم در جنگ عمومی دول میرود بکن اگر مناقشه سیاسی پیش آید و منجر بحنگ شود در دول اربعه مذکوره محدود نماید. چه جمیع دول امروزه بواسطه علائق سیاسی بيك دیگر مر و طند. لابد برخی طرفدار این. و بعضی حامی آن دیگر خواهند شد. ارباب سیاست را عقیده این است که ابتدای مناقشه در صورت وقوع بین روس و عثمانی در آسیای صغیر و نواح آن خواهد بود.

و گویا بواسطه اسبابیکه امروزه در آسیای صغیر و نواح آن راسی عثمانی مهیاست خواهش بر روس مشکل بیابد. چه اولاً قوای عثمانی از روس فعلاً تازه تر است. علاوه جمیع مسلمانان روسیه که همواره از دولت جبار روس ناراض بوده اند از بعد مشروطیت سلطنت عثمانی تمام روی خاطر بجانب سلطان معطوف داشته. در صورت جنگ برخلاف روس حرکت خواهند نمود ایرانیان هم که خوبشتر را شهید روس میدانند درین میدان دقیقه از حیاة سلطان اسلام فرو گذار نخواهند نمود. خصوصاً در آن موقع که رؤسای مذهب شیعه تمام توجه قالی خود را بجانب سلطان عثمانی معطوف داشته اند.

ظاهراًست در چنین گیرودار انگلیس و آلمانهم فقط به تماشا مشغول نخواهند بود و به طرفداری مضوی دولین متعاریتین قناعت نخواهند کرد. و دول متعاریت

و متعده این دو یارتیم لاد آسوده نخواهند زیست
چیزیک هست چون سیاست با فرست اروپا
نیگو بمضارین اقدامات ضاره بی برده و از وخامت این گونه
مناقشات واقفاند هماره منتهای سی خود را در عدم
وقوع چنین جنگی بکار برده و خواهند برد. و چون
حساره این جنگ برای طرفین عظیم تصور می شود.
مید فوبست که درین موقع نیز آن دینامت را نگذارند
زهم متلاشی شود. آرزوی ما هم همین است که این دینامت ظلم
سوز در معاملات ایران از هم متلاشی نگردد. چه لامحال
سدمه آن با هم وارد خواهد آمد. بر صورت موقع نازک
مروزه ایران را میتوان یکی از آن مواضعی که خوف
جنگ عمومی اروپا در آن میرفته است قرار دهیم.
اعلی حضرت ادورده هم که با این عظمت شأن تا این
درجه متاعب و مشای مسافرتی بی در پی را
منحمل می شوند. و با امپراطوران عظیم الشأن بی
ساخته ملاقات میفرمایند زیاده برای آن است که
مناقشات سیاسی منجر جنگ شود. و دوستانه جمیع
دول به منافع خویش نائل آیند

ما را پیش از جنگ هم تشکیل کانفرانس بین الدولی
در معاملات ایران است و ملاقات اعلی حضرت ادورده هم
را درین موقع نازک با امپراطورین آلمان و آستریا
بی هیچ نتوانیم گفت. چه برهم خوردن مجلس و
کرورها خساره و قتل هزاران نفوس ایران را هم برای
تشکیل چنین مجلسی که در معنی اثبات حقوق دولتین و
جولوگیری از حیالات آلمان است می بداریم. از قبل برهم
خوردن پارلمان ایران دولتین روس وانگیس در همین
جاده کاری نمایند. و اسباب تصدیق لزوم چنین مجلسی
هم فراهم شده است. باید دید که دول دیگر مخصوصاً
آلمان قبول این امر را می نمایند یا نه

عالم سکوتی که بعد از تکفیر که خلع رسمی شاه است
پیش آمده که هیچ وجه خبری از هیچ نقطه می رسد.
و با آن همه هیاهو صدائی از احدی شنیده نمی شود
دال است بر اینکه این مسئله لباس دیپلماتی پوشیده.
و محرمانه بین الدول موضوع بحث است. تمام خوف ما
این است که این مباحثه تبدیل به مناقشه سیاسی شده
بگذرد روز نماید و ناگاه همان دینامت ظلم سوز از هم
متلاشی گردد

رضا شوائف داد. که دولت دیگر کنی ازین خاک را
قبضه نماید. اهم بر اینکه این مناقشه منجر بجنگ دول
بشود یا نشود. فقط خوفی که ما را غالب میباشد این
است که در ماده ایران کانفرانس بین الدولی منعقد شده
اصولی در مورد آن اختیار نمایند و فصولی را درباره
این مملکت امضا دارند که در آتی سده سید ترقی و
طامع بزرگ پیشرفت سیاست ما گردد. و ایران یک
مملکت پوشالی قرار گیرد که فقط وجودش دول عظام
را از تصادم سیکدیگر حفظ نماید. و این اهمیت مرکزی
در آینده هم خوف ترقی و رقابت در او باقی بماند

امروز مسئله ایران از جنگ خانگی و مناقشه
شاه و رعیت گذشته لباس سیاسی پوشیده و موضوع
رقابت بین الدولی پیدا کرده که ممکن است منتهی بجنگ یا
کانفرانس بین الدولی شود. سیاستیون با دانش انگلیس
و روس از دو سال است درین موضوع کار میکنند
و چندین دفعه لباس آرا تبدیل داده اند و ما عجاره های
تا آشنای از سیاست ملتفت نشده ایم گاهی پدم امیر بهادر
و شیخ فضل قه جیبیده. و گاهی شایمال و لیاکوف را
اسباب خرابی پنداشته ایم

(هزار رنگ بریزد ز ماه و یک از آن)

(نه بسته نقش در آینه تصور ما)

تکراف روتر راجع بایران

(۲۳ رجب)

مخبر (روتر) از اسلامبول خبر میدهد بر حسب
رویدادی را که سفیر کبیر ایران بصدور اعظم عثمانی
در معاملات سرحدی پیش نموده جواب داده است
که قشون عثمانی را از مالک خاصه ایران حکم با خراج
شده تا مسائل متنازعه سرحدی ایران و عثمانی بدوستی
فیصل یابد

ظاهر پاشا رئیس کبیر یون سرحدی ایران و عثمانی
باسلامبول طلب شده است
وزارت خارجه عثمانی افسر مخصوصی را برای
تصفیه معاملات سرحدی ایران تدارک نموده عنقریب
روانه خواهد داشت

تکراف مخصوص اداره

(۲۵ رجب)

تذخیر که خلع رسمی شاه است جنگ آذربایجان
را موقوف داشت. گویا لباس سیاسی پوشد. دانایان
مشغول حل و عقد نتیجه کی ظاهر شود غیر معلوم است

اعلامنامه شهدای تبریز

ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا

(بل احياء عند ربهم يرزقون)

بخندمت وجوه محترمه علماء اعلام و حجج اسلام
عبيات طالبات مذاقه ظلالهم اعلام مبداريم .

در اين دقيقه حاضره ما افراد هيئت جامعه علماء و
كسبه و تجار تبريز دست از جان و مال و ناموس شخصي
خود كشيد، و ما بك اتحاد همومي و يگانگي و اخوت
واقعي چشم از حبات ذات آيات پوشيده، مهيبا و
مستمد ريختن خون خود گرديده ايم . پس از اداء كفته
شهادت لازم ديديم اين مختصر را بعنوان وصيت همومي
و يشگاه آن حبات اسلام ارسال و اين آخرين بيفلام
خود مان را بشما كه اوليائى حقيقي اين امت هستيد
ابلاغ و ابصال داريم .

آيا گمان مي كنيد كه در اين ساعت بد بخت تر از
ما كسي در ربيع مسكون باشد ؟ يا ماتي را نكبت
و مذلت باين درجه رسيده باشد ؟ اليوم مراتب
شئامت و شقاوت احوال ما بد بختان باطل درجه
رسيده، و بگلي نميتوان تصور كرد كه در نقطه از نقاط
ظلم يك طايفه يا ملتي باشد كه در همچو بلائي مانند ما مبتلا
باشد، زيرا كه ما بعلم اليقين ميدانيم كه بعد از چند روز
يا چند ساعت ديگر همگي ما بحسام دين اسلام بفتح
ستمگاران يعني سپاه استبداد بقتل رسيده، رهسپار وادي
عدم ميشويم، و بعد از آن فرقه بيدادگر با آن نوحش
و بربري كه دارند و مبدانيد بر ناموس و اموال ما
ناخته، همدا قلاماً صمصفا کرده، صفحه اين ايالت را يکسر
وبرا و خراب خواهند نمود، و چنان آتشي در اين
نقاط خواهند افروخت كه شراره آن تمام استقامت مملكت
سرابت کرده، و فرياد و استغاثه و ضراعت و انابه
مظلومين را تا برش برين خواهد رسانيد

آيا مگر ما بد بختان در اين ظلم چه گناهي مرتكب
و کدام حلالی را حرام کرده ايم، كه ايست اين خيل
ظالمين بدین گونه بر ما ناخته و گذشته از قتل ضمان
به هتك عرض و نهب اموال و تخریب بيوت و قتل
اطفال مان اقدام میکنند؟ هر ذبحس با شعور يک در

اطراف اين وقته عظمي نظر میکنند و ريب و شك
تصديق خواهد مسكره كه مارا در ظلم قطع يك گناه
بوده، و آن هم اينست كه خواستيم بر حسب اوامر
شارع مقدس، و مقتضاي صوص صريحه اسلام بتأسيس
اساس عدالت پردازيم، و هيكل نابلذ ظلم را از صفحه
وطن خود براندازيم، خواستيم در زير سايه مراقبت
شما آيات كه بترويج قواعد شريعت كه در اين دو قرن
اخير در صفحه ايران اسم بلا رسم بوده كمر بينديم،
خواستيم در اين وهله نازك كه بيضة اسلام در خطر
وحيات ايران هم بالتبع در بحران ميباشد ترفي فراهم
آوريم كه كفار نتوانند بر دين و ناموس ما حمله ور
گرديده، بجاي مسجد كليسا و بعضى مراقد متبركه كديسا
و جليبا در وطن ما بلند كنند .

خداوند متعال و صاحب شريعت مطهره و ارواح
مقدسه اولياء و اوصياء همه شاهد حال و گواه مقالند
كه مقصد اهم و مطالب اهم ما همين بوده كه بواسطه ترويج
قواعد دين بتوانيم از حودمان و محلكتمان رفع ظلم و تطاول
كليم، نه خيال داشتيم ابداع بدع در دين كنيم، و نه عزيم
ميشوديم كه افساد در زمين نمايم، يا اختراع و جعل منبهات
كنيم، ولي درينا كه عامل بيداد نميگذارد كه آن مقاصد
حده خود نابل و فابزشويم، و اين شروع مقدس را پيش ببريم،
معدلك ماها پس از مذاقه كامله و غور و شخص
دقيق چنين دريافته ايم كه اگر ساكت و صامت طامه
و دست از يا حطائ نكليم نه تنها در يا زود عامل
استبداد خانه مارا خراب خواهد عوده، بلكه چندي
نخواهد گذشت كه همه مارا گوسفند وار سر بريده و
نشهائى مارا مانند شهدائى كربلا بايال جنا خواهد كرد،
از اين رو پس از استمداد از روح شارع مقدس
همگي حاضر و مهيا شده ايم كه براي دفاع از ناموس
و دين و مذهب خودمان تا آخرين قطره خون
خود بكوشيم، و جامعه مردانگي بر شهامت را بپوشيم،
شكفت اينست كه اطفال خورد سال و زبانا نيز در
اين ميدان شهادت مارا نخرين و تشجيع کرده، و ايداً
دربن و مضابقي از كشته شدن ما ندارند، و گوياء در
اين دقيقه بر خطر بايشان الهام رسيده كه اين جنگ
و ممره فوز و فلاح الحروي و هنگامه سعادت و نجات
ابدي ميباشد، در اين حالت بر ملالت كه بالطبيعه